

# نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۵۰، شنبه ۱ شهریور ۱۳۹۳ (۲۳ اوت ۲۰۱۴)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

## در این شماره می خوانید:

- \* خامنه ای دلواپس چیست؟ \_ مهدی سامع.....ص ۲
- \* فساد ستیزی در آزمون "خروج از رکود" \_ منصور امان.....ص ۴
- \* خروج از رکود اقتصادی با شلیک گلوله های مشقی \_ زینت میرهاشمی.....ص ۷
- \* "جامعه بین المللی" و صف بندیها در غزه \_ لیلا جدیدی.....ص ۹
- \* با پریشان گویی به جنگ درماندگی \_ جعفر پویه.....ص ۱۳
- \* انصراف مالکی: فرو رفتن در قعر بحرانی خودساخته آناهیتا اردوان.....ص ۱۷
- \* سرنوشت مالکی، سرنوشت همه دیکتاتورها \_ شهره صابری.....ص ۲۰
- \* چالشهای معلمان در مرداد ماه \_ فرنگیس بایقره.....ص ۲۱
- \* برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مرداد ۱۳۹۳ \_ زینت میرهاشمی.....ص ۲۴
- \* زنان در مسیر رهایی \_ آناهیتا اردوان.....ص ۳۱
- \* اخبار کارورزان پرستاری \_ امید برهانی.....ص ۳۵
- \* رویدادهای هنری ماه \_ لیلا جدیدی.....ص ۳۸
- \* "قره العین، اندیشه مزدکی یا ماتریالیسم سرخ" \_ م . وحیدی.....ص ۴۲
- \* فراسوی خبرها.....ص ۴۵
- \* شهدای فدایی در شهریور ماه.....ص ۴۷
- \* انتشارات تصویری سازمان.....ص ۴۸

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»  
«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

## خامنه ای دلوایس چیست؟

مهدی سامع

سرانجام روز چهارشنبه ۲۹ مرداد، مجلس ارتجاع پس از سخنان تند و تیز مخالفان دولت روحانی، رای «عدم اعتماد» به رضا فرجی دانا، وزیر علوم داد. ۱۴۵ تن از نمایندگان علیه فرجی دانا، ۱۱۰ تن موافق او و ۱۵ تن رای ممتنع دادند. در واکنش به این اقدام، حسن روحانی، محمد علی نجفی را به سرپرستی وزارت علوم و رضا فرجی دانا را به عنوان مشاور خود منصوب کرد.

این ظاهر آن رویدادی بود که در روز استیضاح در مجلس ارتجاع اتفاق افتاد. اما این تمام مساله نیست و نخواهد بود.

درست است که حذف برخی از «بورسیه» بگیران دوران احمدی نژاد منافع برخی از باندهای درون هرم قدرت را به خطر انداخته است. به گزارش روز چهارشنبه ۲۲ مرداد ایلنا: «برخی از مدیران رسانه ای منتسب به اصولگرایان، نمایندگان مجلس، اعضای درجه اول خانواده برخی از وزرای دولت احمدی نژاد و نیز فرزندان روحانیون صاحب منصب، در لیست بورسیه های غیرقانونی و تخلفات غیر قانونی در رابطه با وزارت علوم قرار دارند.» گرچه این جزیی از ماجراست اما اگر فقط مشکل مخالفان این موضوع بود، فرجی دانا اکنون کماکان در صندلی وزارت نشسته بود. روحانی هم می داند که مخالفان او در این مورد نقاط ضعف بسیار دارند. برای همین است که حسن روحانی در سخنرانی به مناسبت آغاز هفته دولت می گوید: «همه بدانند با تغییر یک نفر مسیرمان را عوض نمی کنیم» و «به طور کلی، دولت در زمینه مبارزه با فساد از جمله فساد در دانشگاه و مدارک علمی و مبارزه با فساد در زمینه بورسیه ها جدی خواهد بود و این مسیر را ادامه خواهد بود.»

برخی معتقدند که باند «جبهه پایداری» بدین وسیله و با به زیرکشیدن وزیر علوم، در پیشرفت «مذاکرات اتمی» کارشکنی می کند. این تحلیل فاقد اعتبار و دور از حقیقت است. درست است که جبهه پایداری این جا و آنجا با برخی از توافقات اتمی مخالفت کرده و رسانه های وابسته به این باند و باندهای همسو با آن، تیم مذاکره کننده را «ضعیف» معرفی و از توافقات انجام شده به «لرزه» افتاده و روحانی به آنها رفتن جهنم را پیش نهاد کرده است. اما در این مورد حقیقت مهمتری وجود دارد و آن حمایت کامل ولی فقیه از «مذاکرات اتمی» و دست اندرکاران آن است. امروز دیگر برای همگان روشن است که حتی یک «و» بدون اجازه و تائید علی خامنه ای در متن توافقات وارد نمی شود. مسئول و کارگردان اصلی مذاکرات اتمی کسی جز علی خامنه ای نیست و نتیجه خوب یا بد این مذاکرات هم به حساب ولی فقیه ریخته خواهد شد. حتی سپاه پاسداران هم با وجود منافع کلان سیاسی و اقتصادی پشت سر ولی فقیه حرکت می کند.

بنابراین اگر از این دو مورد که در بالا آمد عبور کنیم، سوال این است که این ضربه چرا و از جانب چه کسی به دولت روحانی و در حقیقت به هاشمی رفسنجانی وارد شد.

برای پاسخ به این سوال می توان از دو شیوه استفاده کرد. اول آن که به تمامی گفته ها و نوشته ها و نا نوشته ها و مخالفان توجه کرد. دوم آن که نقطه قانونی در این مخالف را پیدا کرد که هم دلیل استیضاح را مشخص و هم کارگردان آن را معرفی می کند. راه اول به علت طولانی شدن در ظرفیت این یادداشت نیست. بنابراین من از راه دوم استفاده می کنم.

مخالفان فرجی دانا بارها از «فتنه ۸۸»، «تحریکات سیاسی ضد انقلاب و ضد نظام»، «ترویج افراط گری در دانشگاهها»، «بازگرداندن برخی از اساتید اخراج شده»، «پذیرش افراد رد صلاحیت شده» و... سخن گفتند.

فرجی دانا هم در بخشی از پاسخ خود گفت: «می گویند چرا کسانی را که از فتنه هستند حمایت می کنید. من شهادت شرعی می دهم اینها دلسوزان انقلاب و کشورند.» از این پاسخ می توان این نتیجه را گرفت که مخالفان وزیر علوم و به ویژه کارگران اصلی آن نتیجه می گیرند که برخی از مسئولان این وزارتخانه، مثلاً

جعفر میلی منفرد معاون و جعفر توفیقی مشاور وزیر، گرچه در «فتنه» کم یا بیش نقش داشته اند، اما از نگاه وزیر علوم اینها «دلسوزان انقلاب و کشورند».

بنابراین کانونی ترین مساله برای رد صلاحیت فرجی دانا «فتنه» است. اما مگر از فتنه ۵ سال نمی گذرد و مگر گفته نشد که چشم فتنه را «کور» کرده اند. پس چرا دست از سر فتنه بر نمی دارند و چرا دست نشانده خامنه ای در راس قوه موسوم به قضائیه مهمترین رسالت این نهاد را برچیدن فتنه اعلام می کند؟

از این تأکيدات مکرر بر فتنه چنین نتیجه می شود که این فتنه است که دست از سر حاکمان بر نمی دارد و در کنار آنها و در هر کوی و برزن و در هر کارخانه و اداره و به خصوص و با تأکید باید گفت که در دانشگاهها لانه کرده و در کمین فرصت است و مخالفان فرجی دانا همین اندک گشایش ناچیز را به درستی آغازی برای برآمد فتنه جدید ارزیابی می کنند. دلیل اصلی و کانونی عدم اعتماد به فرجی دانا همین است و بس.

اما چه کسی کارگردان این حرکت بود. در این مورد هم باید به فتنه مراجعه کرد. آن کس که مداوم از فتنه حرف می زند، آن کس که لبه تیز شعارها در فتنه علیه او بود، آن کس که شب و روز کابوش فتنه می بیند، آن کس که نقش اصلی در جلوگیری برای پایان دادن به حصر موسوی، رهنورد و کروبی دارد، کسی جز مقام معظم و مرجع خودخوانده شیعیان جهان نیست. دلواپسی خامنه ای از فتنه برحق است زیرا او نگران امنیت ولایت اش است. او در حال چرتکه انداختن برای تعیین شش و بش عقب نشینی در پروژه اتمی است و می داند که سر بزرگ این ماجرا زیر پوست جامعه است. وی دوراندیش تر از آن است که این تهدید جدی را دست کم گیرد و بنابراین به شیوه نمد مالی که یکی از شیوه های خامنه ای در مورد مخالفان درونی است، به روحانی و در حقیقت به رفسنجانی هشدار می دهد.

اما این پیروزی و هیجانات مسخره عمّله و آگره ولی فقیه در مجلس پس از اعلام نتیجه رای گیری، برای ولی فقیه چندان هم قابل حساب نبوده و برعکس شکنندگی وضعیت را نشان می دهد. به چه دلیل؟

اول این که در هر صورت دو موضوع مهم در سطح جامعه و در ابعاد گسترده مطرح شد. موضوع بورسیه ها و لیست برخی از استفاده کنندگان از آن منتشر شد. و دوم طرح چند باره پدیده فتنه که یادآور قیامها و خیزشهای سال ۱۳۸۸ و پایان سال ۱۳۸۹ است. وقتی بحران غیرقانونی همچنان وجود دارد و جنبشهای خودانگیخته به عنوان یکی از نمودهای این وضعیت به وفور جریان دارد، وقتی چوبه های دار برقرار است و داغ و درفش ولایت بر سینه مخالفان فرود می آید، وقتی بحرانهای اقتصادی در تمام تار و پود جامعه نفوذ کرده، وقتی ناهنجاریهای اجتماعی از عمق تا سطح جامعه گسترش پیدا کرده و بالاخره وقتی مقاومت سازمانیافته با همه توطئه ها و اقدامات نظامی، امنیتی همچنان به حیات خود ادامه می دهد، صحبت از مخالفت و ستیز با فتنه، در روانشناسی توده های مردم نقش مهم فتنه که همان قیامها و خیزشهای خیابانی است را برجسته می کند.

نکته دیگر ترکیب رای داده شده است. ۱۴۵ رای از ۲۷۰ رای برای خامنه ای چندان دل خوش کننده نیست. اگر مساله فتنه در میان نبود، موضوع چندان اهمیت نداشت. اما وقتی پای فتنه در میان است، این تعداد رای به سود طرح خامنه ای و مهمتر از آن ۱۱۰ رای به زیان او یک زنگ خطر جدی برای ولایت است. این زنگ خطر هم همچون موضوع فتنه برای امنیت ولایت جدی است و خامنه ای راه فراری ندارد. او ناگزیر است که هم پائین را سرکوب کند و هم به مهار بالا بپردازد. هر درنگ در این راهبرد او را به قعر دره پرتاب می کند. اما تواناییها و ابزارهای او نامحدود نیست. او نیز مانند همه دیکتاتورها و مستبدان در یکی از تندپیچهای تاریخ با محاسبه غلط، شرایط برای سقوط را فراهم می کند. به نظر می رسد که خامنه ای به این نقطه بسیار نزدیک شده است.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

## فساد ستیزی در آزمون "خروج از رکود"

منصور امان

یکسال پس از تن دادن باند ولایت به واگذاری قوه مجریه به جناح میانه حکومت، حسابهای آن پیرامون چیرگی بر بحرانهای داخلی و خارجی به مدد باند رقیب و با کمترین هزینه به واقعیت نپیوسته است. جدال دو طرف در پروسه رشد خود، به لحاظ شکل و مضمون هر چه بیشتر به نزاع آقای احمدی نژاد و فراکسیون نظامی - امنیتی دولت با باند ولی فقیه در زمین مفساد اقتصادی و مالی شباهت می یابد. دولت و مخالفان آن در باند رقیب، با اشتیاق و حرارت تمام مشغول مچ گیری از هم و افشاگری علیه یکدیگر هستند، با این تفاوت که آقای روحانی و دوستان روی گنجینه ای از اسناد سیاهکاریهای باند رقیب در خلال ۸ سال گذشته نشسته اند، در حالی که هموردان شان هنوز باید به جستجو در پیشینه "دوران سازندگی" بپردازند یا در کمین لغزشهای تازه بنشینند.

پ

رُشش خوش بینانه ای که در این میانه مطرح می شود این است که آیا یک تاثیر ناخواسته ی گسترش کشمکشها به حوزه های کلان اقتصادی مانند بانکها، نفت، بازار ارز، خصوصی سازی و رانتها می تواند عقب رانده شدن فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی به طور کلی باشد؟

این سووال را نوع آرایش طرفهای درگیر و هدفگذاری آنها از وارد شدن به این میدان پاسخ می دهد. هر گاه جناح میانه برای بیرون راندن رقیب از قدرت سیاسی، خلع سلاح اقتصادی او را در دستور کار بگذارد، آنگاه به طور بدیهی یک تاثیر همراهی کننده استراتژی مزبور، پایین آمدن درجه آلودگی "نظام" است. اما آیا "دولت اعتدال" با چنین هدفی به حمله به رقیبانش از زاویه فساد اقتصادی روی آورده و علیه آنها افشاگری می کند؟

یک آزمون کوچک برای محک زدن جنس افشاگریهای رییس و پایوران دولت، پیشنهادهای آنها برای تنظیم "اعتدال" در پهنه ثروت است که ماه گذشته با تبلیغات فراوان زیر تابلوی "خروج از رکود" ارایه گردید.

### خروج از رکود از در پُشتی

اگرچه آقای روحانی و وزیران کابینه دولت وی هیچ فرصتی را برای اعلام "خبرخوش"های رنگارنگ از بهبود شرایط زندگی و کسب و کار از دست نمی دهند و در این رابطه از جهش شگفت انگیز نرخ رشد اقتصادی از منفی ۵٫۸ به منفی ۲٫۲ در کمتر از یکسال سخن می رانند، با این حال لازم دیده اند برای "خروج از رکود" نیز طرحی ارایه کنند و انگاشت و اقدامات خود در مورد شرایط اقتصاد و نیروهای دخیل در آن را رسمی و استنادپذیر سازند.

یک نگاه دقیق به طرح مزبور اما نشان می دهد که آن را در هیات نقشه کار اقتصادی به همان اندازه می توان جدی انگاشت که آمارهای ناهمگون و دلخواهی پیرامون موقعیت واقعی اقتصاد در کشور. این ویژگی ولی بدان معنا نیست که در "بسته اقتصادی" دولت هیچ بخشی از شرایط عینی بازتاب نمی یابد و فقط برای ارسال به آدرس بوقهای تبلیغاتی رسمی تمبر زده شده است. نُسخه آقای روحانی و دوستان برای خروج از رکود، چیزی کمتر یا بیشتر از راه حل کلاسیک "علمای" سرمایه داری در چنین شرایطی، یعنی سرمایه گذاری دولتی و خصوصی در بازار تولید کالا و خدمات نیست. این به مفهوم استفاده دولت از اهرمهای قانونی و مالی خود در جهت پُشتیبانی از تولیدکنندگان بخش خصوصی و هموار کردن مسیر برای سودآور کردن فعالیتهای اقتصادی آنها است.

باوجود آنکه مخاطب طرح اقتصادی جناح میانه حکومت به ظاهر بخش خصوصی و طبقه فعال اقتصادی بیرون از دایره نفوذ دولت است، اما نگاهی به وزن و سهم این بخش در مجموع اقتصاد کشور نشان می دهد که روی سخن با عوامل تعیین کننده تر و تاثیر گذارتری است که در فضایی نامریی بین دو بخش دولتی و خصوصی زیست می کنند. این طبقه اقتصادی که در ادبیات حکومت از آن به عنوان "شبه دولتی" یاد می شود، در حقیقت بورژوازی بوروکرات و انگلی است که از کیسه رانتهای دولتی تغذیه می کند و قدرت سیاسی را در خدمت خود دارد.

## اقتصاد زیرزمینی

آقای محمد رضا خباز، معاون تقنینی حُجّت الاسلام روحانی، در توصیف وزن و جایگاه بخش مزبور می گوید: "برخی نهادها همه کاره اقتصاد کشور هستند. این نهادها اصلاً زیر نظر رییس جمهور نیستند. برخی از این نهادها به تنهایی بزرگ تر از بخش خصوصی کشور هستند."

به همین گونه، نایب رییس اتاق بازرگانی، آقای محمود اسلامیان، با اشاره به درآمد ۷۰۰ میلیارد دلاری نفت در دوران ریاست دولت نظامی - امنیتی توضیح می دهد: "۸۰ درصد اقتصاد ایران در اختیار شبه دولتیهاست."

بیشترین سهم از رانتهای دولتی را سپاه پاسداران به خود اختصاص داده است. شرکتها و بانکهای نشان دار مانند قرارگاه خاتم الانبیا، بنیاد تعاون سپاه و بانک انصار بخش علنی کارتل اقتصادی - مالی این نیروی نظامی را تشکیل می دهند و در کنار آن، شبکه زیرزمینی گسترده ای که پهنه فعالیت آن از قاچاق کالا و نفت تا کنترل بازار کالاهای مصرفی را در بر می گیرد، زنجیره تولید ثروت آن را تکمیل می کند.

با وزن و درجه اهمیتی مشابه، نهادهای اقتصادی زیر نظر ولی فقیه حکومت قرار دارند. کمیته امداد امام خمینی، بنیاد مستضعفان و جانبازان، آستان قدس رضوی، موسسه جامعه الصادق، بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد امیرالمومنین و ستاد اجرایی فرمان امام شناخته شده ترین سازمانهای اقتصادی با این ویژگی هستند. در حالی که بخشهای دیگر اقتصاد سایه دستکم از نظر قانونی موظف به ارایه بیلان و جزئیات فعالیتهای خود هستند، موسسات تحت اداره ولی فقیه به طور رسمی از هر گونه حسابرسی و نظارت مُعاف شده اند و به این ترتیب در سایه پُشتیبانی قانون و سانسور، به ندرت ردی از آنها در پیکره آشکار اقتصاد کشور می توان یافت.

برای تخمین حجم مُبادله اقتصادی موسسات مزبور، گزارش نادر رویترز از یکی از شاخه های امپراتوری اقتصادی ولی فقیه می تواند کمک خوبی باشد. این خبرگزاری در آبان ماه سال گذشته (۱۳۹۲) از ثروت شگفت انگیز یک کارتل گمنام اقتصادی به نام "ستاد اجرایی فرمان امام" خبر داد که به طور مُستقیم توسط رهبر جمهوری اسلامی اداره می شود. منبع مزبور ارزش املاک و زمینهای "ستاد" را ۵۲ میلیارد دلار و سرمایه گذاریهای نقدی آن در شرکتها و موسسات گوناگون را ۴۳ میلیارد دلار تخمین زد.

## حذف فساد

دولت جناح میانه حکومت با هدف مُدلل کردن طرح خود، یک فصل از آن را به طور ویژه به "چرایی بُروز رُکود تورمی" اختصاص داده است، بدون آنکه حتی با یک واژه از تاثیر و پیامدهای اقتصاد سایه در پیدایش "رُکود" نام ببرد. این در حالی است که زمینگیری شدن دو بخش مولد صنعتی و کشاورزی کشور در درجه نَخُست محصول مُداخله و فعالیت به ظاهر اقتصادی "شبه دولتی"ها است که در یک رقابت نابرابر و مُخرب، با پُشتیبانی و اغلب همدستی مُستقیم بوروکراسی دولتی، هموردان را بی رحمانه از صحنه حذف کرده اند.

"دولت اعتدال" به سادگی علت نابسامانیهای کلان اقتصادی را به گونه انحصاری به دوش تحریمهای فلج کننده (مالی - نفتی) بین المللی افکنده و کاهش درآمد ارزی را پایه تعطیلی انبوه واحدهای صنعتی و نابود شدن رشته های مُهم کشاورزی مُعرفی کرده است. این ادعا در حالی مطرح می شود که رییس دولت و وزیران و پایوران ارشد وی هیچ فُرصتی را برای گلایه و انتقاد از آثار ناگوار حُضور پُررنگ اقتصاد سایه از دست نمی دهند.

برای نمونه، وزیر نفت از وجود "دوران بُخور بُخور" در وزارتخانه خود خبر می دهد، آقای اکبر تُرکان افشاگری می کند که رقم مُطالبات پرداخت نشده بانکی دو برابر رقم رسمی اعلام شده، یعنی ۸۲ هزار میلیارد تومان است، معاون اول آقای روحانی اطلاع می دهد که "فساد در کشور سیستمی شده" و خود وی شکایت می کند: "تحت نام دور زدن تحریمها، نفت را دادند به عده ای و بُردند و خوردند و ملت ایران را دور زدند."

در واکنش به شگفتی مُنتقدان نسبت به سُکوت طرح مزبور در مورد این فاکتور پایه ای رُکود و تورم، تدوین کنندگان آن عُذر آورده اند که "راهکار" آنها "کوتاه مُدت" است و مُتواضعانه افزوده اند که ادعایی در مورد جامع و کامل بودن آن

ندارند. اما نگاهی به شکایت کشف و با حاشیه آنها از بُز گنهکار "تحریم" نشان می دهد که نه مساله را "کوتاه مدت" می بیند و نه به عوامل مهم آن بی توجهند. بنابراین دُرُست آن است که آنان علت را دست چین کرده اند و به بیان دیگر هر جا که فاکتور مانعی برای جلو بردن "بسته" بوده، آن را "دور زده اند".

## اعتدال و شراکت

علت تفاوت میان گفته های علنی رهبران و پایوران جناح میانه حکومت در مُشاجرات سیاسی با رویکرد عملی آنها، تلاش برای عقب راندن سیاسی حریف بدون وارد شدن به حوزه منافع اقتصادی آن است. جدالهای رسانه ای برای هر دو طرف کارکرد چانه زنی برای بالا یا پایین بردن نرخ در مُعادله بده و بستان را دارد. جناح میانه حکومت با بندبازی بین افشاگری و حمایت، به طرفهای خود پیام می دهد که می توانند به تاخت و تاز اقتصادی خود ادامه دهند و بدون مُزاحمت از مزایای نظم سیاسی بهره مند شوند، شرط اما آن است که پای خود را از قلمرو قُدرت وی کنار بکشند و به سهم خود در توازن جدید در دوره حاضر قانع باشند.

این درجه از احتیاط و سواس آقای روحانی و متحدانش، برخاسته از نقش خیالی است که آنها برای خود در ساختار قُدرت تصور می کنند. "دولت اعتدال" مایل است رُل میانجی را بازی کند و تضاد و اختلاف منافع نیروهای اصلی در بالا و پایین را در خود "تعديل" کند. پندار مزبور نتیجه وضعیت عینی جناح میانه است که قُدرت را به چنگ نیاورده، بلکه به سوی مسند آن پرتاب شده است. او در حقیقت محصول سیاسی شکست باند ولایت در یکدست سازی قُدرت و درهم کوبیده شدن اقتدار "مطلقه" آقای خامنه ای در نتیجه خیزشهای ۸۸ است و نه برآمد چیرگی بر رقیب به سبب توان مُستقل، سازمان یافته و هژمونیک خود. از این رو، جناح میانه در همان حال که در پی کُنترل دستگاه بوروکراسی و چیدن دوباره مُعادلات در پهنه ثروت است، به باند رقیب نیز برای حفظ ساختارهایی که حیات سیاسی و اقتصادی اش را تضمین می کند، احتیاج دارد. در قواعد برآمده از این وابستگی، تامین منافع اقتصادی باند رقیب و فراقسیونها و گرایشهای اصلی آن و به رسمیت شناختن مُتصرفات آنها مکان مُحکمی دارد.

جناح میانه حکومت، یک بار در گذشته و هنگامی که به رهبری آقای رفسنجانی قُوه مُجریه را در دست داشت، این تاکتیک را با نتایج وخیمی برای خود به دست اجرا گذاشته است. آنچه که او به ظاهر زیرکانه با چرب کردن ریش و سبیل سرکردگان سپاه پاسداران و دستگاههای امنیتی برای به دست گرفتن مهار آنها آغاز کرد، به زودی به پروار کردن بلاهت بار هیولا برای بلعیدن خودش تبدیل شد.

## برآمد

توازن منفی، هموردان صفحه شطرنج سیاسی جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر به حالت پات نزدیک تر کرده است. در همان حال که باند ولی فقیه برای بیرون آمدن از گرداب بُحران خارجی و تحریمهای فلج کننده در پی آن و نیز مُدیریت نارضایتی اجتماعی به جناح میانه حکومت نیاز دارد، جُمَلگی راه حلهای جناح مزبور نیز برای دستیابی به این اهداف به عقب نشینی و سازش رُقُبایش مشروط گردیده است. نردبامی که حُجت الاسلام روحانی را به سوی قُدرت بالا می برد، روی زمینی قرار دارد که آقای خامنه ای و همدستان درجه تعیین تحمُل وزن آن را در دست دارند. این وابستگی مُتقابل، فرجام هر ستیز واقعی یا فریبکارانه با فساد نهادینه شده "نظام" را نیز از پیش بر پیشانی اش مُهر کرده است.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

## خروج از رکود اقتصادی با شلیک گلوله های مشقی

زینت میرهاشمی

حسن روحانی برای به ثمر رساندن مذاکرات با کشورهای پنج به اضافه یک، جهت برداشتن تحریمهای شورای امنیت، مخالفان خود در حکومت را راهی جهنم نمود. رئیس جمهور ولی فقیه اما در برابر افزایش نقض حقوق بشر، اعدامهای گروهی، آزار و اذیت فعالان کارگری و زندانیان سیاسی، هیچ واکنشی نشان نداده است. آنچه حسن روحانی را در برابر دلواپسان نظام و لرزش دل‌های ذوب شدگان در ولایت، خشمگین کرده، مخالفت این باندها برای به سرانجام رساندن پروسه خوراندن جام زهر به ولی فقیه و اجرایی شدن بسته سیاستی در رابطه با بحران اقتصادی است.

حسن روحانی با شعار حل بحران اقتصادی و خروج از رکود اقتصادی خود را متمایز از کارگزاران قبلی نظام جلوه می دهد. از شعارها و حرفهای او چنین بر می آید که وی تحریمهای شورای امنیت، آمریکا و اروپا را از جمله موانع اصلی در برابر بازکردن قفل بحران اقتصادی می داند. کشاکش باندهای درون هرم قدرت و شمشیرکشی علیه همدیگر، دشواری اجرایی شدن کامل جام زهر و مهار ناپذیر بودن بحران قدرت را نشان می دهد. اگرچه روحانی ادعا می کند که طرحهای اقتصادی او برای خروج از رکود به گونه ای تنظیم شده که وابسته به برداشتن تحریمها نباشد، اما مجموعه موضعگیریهای خشمگینانه وی و پایوران دولت، ناامیدی به برداشتن یا کم شدن تحریمها جهت خروج از رکود اقتصادی را نشان می دهد.

واقعیت این است که بحران اقتصادی در ایران و تعطیلی بیش از ۷۰ درصد واحدهای تولیدی به تحریمهای شورای امنیت مربوط نمی شود. اگرچه تحریمها به دلیل عدم بازگشت بهای پول حاصل از فروش نفت بر اقتصاد نفتی و تجاری ایران، تاثیرگذار بوده است، اما تولید کننده بحران اقتصادی موجود نیست چرا که عمر این گروه از تحریمها کمتر از دو سال است. شکل گیری اقتصاد شبه دولتی، سپردن مالکیت واحدهای تولیدی دولتی به ویژه خواران، آفازاده ها و حواشی قدرتمداران به نام تقویت مالکیت خصوصی به قبل از تحریمهای شورای امنیت بر می گردد. قدرت گیری باندهای قاچاق کالا با استفاده از ارز دولتی، ماجرای واردات شکر، پارو، آفتابه، سوزن خیاطی، چادر سیاه، چای، برنج و ... به قبل از تحریمهای نفتی و پولی بر می گردد. خرید دارو و یا تولید آن هیچگاه مورد تحریم نبوده اما می بینیم که مردم ایران چه رنجی از کمبود دارو متحمل می شوند. حتی پیدا کردن نخ جراحی و وسایل اولیه عمل جراحی هم مشکل ساز شده است. فراموش نشود که در کنار کاهش واردات دارو و وسایل بهداشتی، اتوموبیل‌های لوکس به راحتی وارد بازار ایران شده است.

این نمونه ها را بدین منظور یادآوری کردم که بگویم حسن روحانی قادر نیست اقتصاد ویرانه ای که از محمود احمدی نژاد تحویل گرفته، با کاهش یا برداشتن تحریمها بازسازی کند. خانه ای که از پای بست ویران است را نمی توان در مقابل طوفان حوادث نجات داد. به ویژه این که سیاستگذاران و مجریان حکومت از ویرانه های همین خانه خراب سوده های کلان به جیب می زنند. شریان سرمایه داری انگلی در دستان استبداد مذهبی چنان جای گرفته که به راه انداختن مجدد تولید و ایجاد اشتغال با منافع حاکمان در قدرت در تضاد است. افزایش نقدینگی و به جریان نیفتادن آن در بخش تولید و صنعت، وجود بی شمار بدهکاران به بانکها، دریافت وامهای کلان برای راه اندازی بخشهای به اصطلاح تولیدی که هیچ گاه عملی نشده، واگذاری مشاغل مدیریتی در واحدهای دولتی به خودیها، سرکوب نیروهای کار و تشکلهای مستقل کارگری، صنفی و ... همه اینها از جمله موانع اصلی برای تحقق راه حل‌های مناسب جهت بهبود اقتصاد و تولید است.

راه حل روحانی برای خروج از رکود هم مانند اقتصاد مقاومتی است که خامنه ای برای مردم نسخه اش را پیچید و اکنون به بایگانی سپرده شده است. در مسیر پر پیچ و خم راه حل‌های حسن روحانی برای خروج از رکود، باز این مردم هستند که زیان می کنند و مجبورند ریاضت کشند. اگر چه روحانی و وزیرانش با افشای بخشهایی از بخور و بخورهای مخالفان خود، گلوله های مشقی شلیک می کنند، اما گاو صندوق دانه درشتهای همچنان دست نخورده باقی مانده و بر محتوای آن اضافه می شود. طبیعی است که کلید حسن روحانی قادر نخواهد بود قفل این گاوصندوقها را بگشاید.

روز پنجشنبه ۳۰ مرداد حسن روحانی در یکی از تورهای مسافرتی خود در دفاع از برنامه اقتصادی اش گفت: «درآمدهای نفتی باید به سرمایه مولد و نه حقوق کارمند تبدیل شود». همین یک جمله از حرف او نسبت به تقسیم ثروت ملی و بهره وری از فروش منابع گاز و نفت، قدرت شلیک گلوله های مشقی او را برملا می کند. هنوز پرونده بابک زنجانی و امثال او که با فروش نفت چه پولها به جیب زدند به بایگانی سپرده نشده است. مثل این که حسن روحانی باورش شده که احمدی نژاد پول نفت را به سفره های مردم برده است که حالا وی می خواهد از آنها بازپس گیرد.

وی «چشم مردم به دولت و چشم دولت به چاههای نفت» را غلط دانسته و خواستار به میدان آمدن کارآفرینان و مردم برای «اشتغال جوانان» شد. حسن روحانی ترکیه را مثال می زند که «۱۰۰ درصد اعتبارات اجرایی و بعضاً عمرانی از طریق مالیات تامین می شود و در عوض تمام کارهای مهم این کشور در دست بخش خصوصی است». همه این حرفها در یک حکومت فاسد که حتی پول فروش نفت به خزانه دولت واریز نمی شود، جز گسترش فقر و بی عدالتی نیست. هنوز کاهش نرخ تورم که روحانی از جمله دستاوردهای دولت خود می داند مورد مشاجره است که وی وعده تورم تک رقمی در آینده ای نزدیک را می دهد.

در کنار وعده های حسن روحانی برای ایجاد اشتغال، آماری در رابطه با نابودی مشاغل در ایران از طرف وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شده که بسیار دردناک است.

به گزارش سحام نیوز در ۲۶ مرداد، بر اساس آخرین داده های آماری مرکز آمار ایران، «از سال ۱۳۸۵ تا تابستان سال ۱۳۹۲ به جمعیت شاغلان کشور تنها ۱/۴ میلیون نفر اضافه شده است». بر اساس گزارش فوق، از «هفت میلیون شغلی که احمدی نژاد مدعی ایجاد آن بود، «پنج میلیون و ششصد هزار» شغل «دوام نیاورده و شاغلان آن بیکار شدند». علی ربیعی در مورد آمار فوق می گوید: «محاسبه نرخ رشد منفی در سالهای گذشته نشان می دهد ما ۳۰ درصد رشد منفی را تجربه کردیم که هر یک درصد رشد با احتساب مشاغل جانبی بالغ بر ۴۰۰ هزار شغل می شد.» (خبرگزاری حکومتی مهر ۲۶ مرداد)

دولت حسن روحانی لایحه ی یک فوریتی برای خروج از رکود اقتصادی را به مجلس ملایان فرستاد. حسن روحانی در این لایحه اولویت بزرگ خود را، «خروج سریع، پایدار و غیر تورمی» از رکود دانست. علی طیب نیا وزیر اقتصاد روحانی در وصف طرح روحانی، تحریم را عامل درهم شکستن «اراده مردم» دانست. وی می گوید: «دشمنان کشور، شرایط تحریم را بر ما تحمیل کردند تا با ایجاد مانع بر سر راه دسترسی به منابع کشور و تحمیل تورم شتایان و رکود عمیق و بیکاری اراده مردم ما را در هم بشکنند».

تعریف وزیر اقتصاد روحانی از بسته سیاستی دولت جهت خارج شدن از رکود تورمی چشم انداز شعارهای توخالی حسن روحانی در رابطه با بهبود معیشت مردم را آشکار می کند.



1Figure

# ۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار



## "جامعه بین المللی" و صف بندیها در غزه

لیلا جدیدی

مقدمه

میلیونها نفر در سراسر جهان علیه کشتار مردم ساکن غزه به دست حکومت اسرائیل خشمگین و اندوهناک به خیابانها آمدند و صدای اعتراض و خشم خود را به گوش جامعه جهانی رساندند. بار دیگر در هفته های اخیر آتشباری بی امان اسرائیل در غزه به کشتار نزدیک به ۲۰۰۰ نفر انجامید که اکثریت آنان را مردم غیر نظامی در مدارس، بیمارستانها، مساجد، کارخانه ها و غیره تشکیل می دادند. در نتیجه، اعتراضهای وسیعی در سراسر جهان تدارک دیده شد. جهت این اعتراضها علیه اسرائیل و اعلام همبستگی با مردم فلسطین بود. در سالهای اخیر، بایکوتهای بین المللی، کمپینهای تحریم و سازماندهی برای همبستگی جهانی توسط فعالان در واکنش به سیاستهای نژادپرستانه و سرکوبگرانه اسرائیل مانند برپا کردن دیوار بین کرانه غربی و تبدیل غزه به اردوگاه کار اجباری و عملیات نظامی مدام در سرزمینهای اشغالی، چرخشی چشمگیر در دیدگاه مردم جهان به مساله فلسطین ایجاد کرده است. بسیاری اکنون دولت اسرائیل را دولتی آپارتاید و مردم فلسطین را به عنوان انسانهایی خواهان عدالت می شناسند. در این میان حتی همه پرسشهای اخیر در آمریکا نشان می دهد که تعداد آمریکاییها و حتی یهودیان آمریکایی مخالف با اسرائیل و جنگ در غزه فزونی گرفته است. شایان توجه آنکه اکثریت مخالفان، جوانان بین سنین ۱۸ تا ۲۹ ساله هستند. بدون شک آنچه که اعتراضهای جهانی و واکنش دولتها در برابر ما تصویر می کند، صحنه ای از تقابل دو نیروی مردم و حاکمان است. رسانه ها به طور معمول وقتی صحبت از "جامعه بین المللی" می کنند، به دولتها و به ویژه آمریکا، اروپا و برخی دیگر از کشورهای قدرتمند اشاره دارند. در هفته های گذشته با حملات پی در پی و بی امان اسرائیل علیه ساکنان غزه، اعتراضهای گسترده مردمی لقب "جامعه بین المللی" را به نام خود مهر زد و آن را به رسانه های مدافع طبقه حاکمه تحمیل کرد.

از این رو به بررسی برخی از اعتراضها و نوع سازماندهی آن که گاه از سوی دولتها جهت بهره برداری سیاسی صورت گرفته و از سوی دیگر واکنش دولتهای همسو با قدرتهای بزرگ می پردازیم.

### اروپا

در اروپا اعتراضها بیشتر از سوی مردم، فعالان و گروههای سیاسی و همچنین از مهاجران که اکثر آنان از خاورمیانه هستند، سازمان یافته بود.

- در فرانسه، بیش از ۱۰ هزار نفر در میدان مرکزی پاریس تجمع کردند. دولت فرانسه با اقدامی غیر منتظره، تظاهرات را غیر قانونی اعلام کرد. عده ای از جوانان معترض به اتهام زیرپا گذاشتن قانون دستگیر شدند.



- همچنین اعتراضهای توده ای وسیعی در شهرهای بزرگ کشورهای یونان، یوگسلاوی، اتریش، آلمان، دانمارک، سوئد و انگلیس برگزار شد. یکی از مطالبات معترضان، تحریم اسرائیل بود. اعتراضها در بلژیک، اسپانیا و ایرلند نیز بخشی از این جنبش جهانی بود.

- تظاهرکنندگان در آتن (یونان)، در مقابل سفارت اسرائیل تجمع کردند. "فدراسیون زنان یونان" در بیانیه ای مطالبات کلی معترضان را در ۵ مورد به این شرح اعلام کرد:
- ۱- توقف فوری حملات اسرائیل به غزه و خاتمه کشتار
  - ۲- تخلیه اراضی فلسطینی از سوی ارتش اشغالگر اسرائیل و شهرک نشینان
  - ۳- آزادی تمام زندانیان سیاسی از زندانهای اسرائیل و بازگشت تمامی آوارگان فلسطینی به خانه های خود
  - ۴- لغو کلیه موافقت نامه های همکاریهای نظامی با اسرائیل
  - ۵- عقب نشینی اسرائیل به مرزهای سال ۱۹۶۷ همراه با تشکیل یک دولت پایدار و مستقل فلسطینی به طور کامل و مستقل با شرق بیت المقدس به عنوان پایتخت آن

## آمریکا

در سراسر آمریکا از "بوستون" تا "سیاتل" و "سن دیگو" و "واشنگتن" تظاهرات گسترده ای بر پا شد. معترضان تنها حوادث روزهای اخیر را در نظر نداشتند. آنها پایان آیرتاید، پایان اشغال، آزادی زندانیان سیاسی، قطع کمکهای آمریکا و توقف حملات هوایی مداوم علیه مردم فلسطین را مطالبه می کردند.

در آمریکا هر دو حزب "دمکرات" و "جمهوریخواه" حمایت خود از اسرائیل را پنهان نکردند. "اوباما" بطور روشن تاکید کرد که "اسرائیل حق دارد از خود دفاع کند" و "جو بایدن"، معاون وی نیز گفت "من صهیونیست هستم".

با این حال هنگامی که اسرائیل یک ساختمان



سازمان ملل را که تبدیل به مدرسه شده بود بمباران کرد، سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید آن را "کاملاً غیر قابل پذیرش و غیر قابل دفاع" توصیف کرد، اما اقدامی عملی صورت نگرفت. علاوه بر این، قطعنامه ها و بیانیه های دیگر از جانب اوباما، "هیلری کلینتون" و غیره در حمایت از اسرائیل و اینکه "آمریکا تنها دوست واقعی اسرائیل است" به امضا رسیده است. جالب توجه آنکه، دمکراتها دست به دست جمهوریخواهان با نسبت رای ۱۰۰ به صفر با تصویب قطعنامه ای که توسط لابی اسرائیل تهیه شده بود، از اسرائیل حمایت کردند. در این قطعنامه خواسته شده بود که حماس پرتاب موشک و دیگر حملات را متوقف و محمود عباس اتحاد با حماس را منحل و حملات علیه اسرائیل را محکوم کند.

## آسیا، آفریقا و خاورمیانه

- در فیلیپین با اینکه این کشور در اثر گردباد "گلندا" به حالت فلج درآمده بود، اما تظاهرات در حمایت از مردم فلسطین با شرکت رهبران اتحادیه ها، کارورزان بهداشت و سلامت، نمایندگان از گروههایی از آمریکا، کره جنوبی، کامبوج، بلژیک، فعالان حقوق بشر و گروههای مذهبی برگزار گردید. سخنگویان این تجمع به نقش آمریکا در رویدادهای غزه نیز تکیه داشتند.

- تظاهراتهای گسترده ای نیز در بسیاری از شهرهای بزرگ هند، کره جنوبی و چین برپا شد.

- در ترکیه هزاران نفر در شهرهای استانبول و آنکارا دست به اعتراض زدند که با خشونت پلیس مواجه شدند.

- در اسرائیل نیز گروه‌هایی از جمله "یهودیان علیه نسل‌کشی" در تل‌آویو دست به اعتراض زدند. ۵۰۰ هزار نفر در تل‌آویو خواستار پایان اشغال و محاصره غزه شدند.

در یک تحول دیگر، ۵۰ نفر از سربازان ذخیره که بسیاری از آنان زن بودند، در یک بیانیه مشترک خودداری خود از داشتن نقش در ارتش اسرائیل علیه مردم فلسطین را اعلام کردند.

- در آفریقای جنوبی، در "کیپ‌تان"

ژوهانسبورگ تظاهراتی برگزار گردید. در این تظاهرات بیانیه‌ای از سوی "کنگره ملی آفریقا" خوانده شده که در آن به نشان اعتراض از سفیر اسرائیل خواسته می‌شد که این کشور را ترک کند.

- در قاهره (مصر)، رباط (مراکش) و همچنین تونس نیز تظاهرات وسیعی برگزار شد. خبرگزاری الجزیره در گزارش خود از این اعتراضها، از به کارگیری شعار مشترک و سراسری "ما همه غزه هستیم" در کشورهای نامبرده خبر داد.

- تظاهرات مختلفی نیز از سوی مردم، نیروهای سیاسی یا حکومتی در اردن، سوریه، عربستان سعودی، بحرین، الجزایر، پاکستان، سودان، عراق، افغانستان، قرقیزستان، بنگلادش، تایلند و ژاپن نیز برگزار شد.



### آمریکای لاتین



- در آرژانتین، اعتراضها سازماندهی مردمی داشت. در اکوادور نیز سازماندهی اعتراضها همین ویژگی را داشت و تظاهر کنندگان در برابر سفارت اسرائیل از دولت خواستند که روابط اقتصادی خود را با این کشور قطع کند.

- در نیکاراگوئه اما تظاهرات با همکاری و سازماندهی دولت ترتیب داده شده بود.

- در السالوادور گروههای محلی، اعتراضها در برابر سفارت اسرائیل را سازماندهی کرده بودند.

- در مکزیک نیز تظاهرات از جانب سازمانهای سیاسی، اتحادیه‌ها، دانشجویان و مردم شکل گرفت. شرکت کنندگان در برابر وزارت خارجه اجتماع کرده و از دولت مکزیک خواستند به بمباران مردم فلسطین اعتراض کند. آنها روی یک پارچه نوشته بزرگ، حکومت را که واکنشی نشان نداده بود، خطاب قرار دادند: "سکوت علامت رضایت است".

## واکنش دولتها

از سوی دیگر همچنانکه برای هفته ها ماشین جنگی اسرائیل به بمباران غزه ادامه می داد و یک قتل عام پس از دیگری به جا می گذاشت، جهان شاهد موضعگیریهای متفاوتی از سوی کشورها بود که هر یک به نوع خود نه در مسیر پایان این حملات مرگبار، بلکه در خدمت منافع سیاسی آنان قرار داشت. این "نظم جهانی" یا این "جامعه جهانی"، از سازمان ملل متحد گرفته تا شورای امنیت و دبیرکل تا نهادهای بین المللی، با جنگ غزه بیشتر با سکوت برخورد کردند تا اقدام عاجل، البته اگر در آن شریک نشده باشند.

واکنش و اقدامات کشورهای عربی به ویژه مصر که با داشتن مرز مشترک با غزه می توانست با باز کردن گذرگاه "رفح" به محاصره آن خاتمه دهد، قابل توجه است.

اردن با باز کردن فرودگاه خود به روی اسرائیل پس از شلیک موشکهای حماس که فرودگاه "بن گوریون" را به تعطیلی چند ساعته کشاند، به یاری این کشور شتافت.

رژیم سوریه با جنگی خونینی که علیه مردم این سرزمین براه انداخته و میلیونها نفر را بی خانمان و دهها هزار نفر از معترضان در تظاهرات مسالمت آمیز که خواستار آزادی و حرمت انسانی خود هستند را بازداشت کرده، به طور روشنی نشان داده که تمایلی به مقابله با اسرائیل و قتل عام فلسطینیها ندارد.

رژیم سوریه و متحد آن جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای منطقه که شامل لبنان نیز می شود، به نوعی در محاصره فلسطینیها شرکت داشته اند. صرف نظر از وضعیت اردوگاههای فلسطینی در سوریه و لبنان، آنها با خشونت و سرکوب در جامعه، مانع حمایتهای واقعی مردم کشورشان از مردم فلسطین شده اند.

رژیم لبنان و همه نیروها و احزاب آن از هیچ اقدامی در مسیر محاصره سیاسی، اقتصادی و نظامی آوارگان فلسطینی مقیم این کشور کوتاهی نکرده اند.

در ایران، حکومتی که هرگز به شهروندان حق اعتراض به سیاستهای خانمانسوز خود را نمی دهد، تظاهراتی بر پا کرد و حسن روحانی نیز با حضور در آن وانمود ساخت که از مردم فلسطین حمایت کرده است. این در حالیست که علی خامنه ای از این فرصت استفاده کرد و با تحریک حماس و فراخوان به میلیتاریزه کردن کرانه باختری، بر طبل جنگ و کشتار بیشتر کوبید. رژیم جمهوری اسلامی با سرمایه گذاری هنگفت روی گروههای مرتجع و بنیادگرای اسلامی، به ادامه حیات بحران و عدم پیشرفت صلح عادلانه کمک می کند. رژیم امیدوار است که به مدد ادبار و نکبت مردم فلسطین و حمایت از تروریستهای منطقه از جمله در سوریه و لبنان، موقعیتی برتر در منطقه به دست آورد.

در ونزوئلا نیز دولت این کشور سازمانده اصلی تظاهرات بود. "نیکلاوس مادرو"، رییس جمهور، در این تظاهرات شرکت و به سخنرانی پرداخت. وی گفت اسرائیل قصد نابودی کامل فلسطینیها را دارد و "ونزوئلا در کنار فلسطینیها است". او مشخص نکرد که دولت او از چه راههایی به این ادعا عمل خواهد کرد. قابل ذکر است که پیشتر رییس جمهور ونزوئلا طی قراردادی با محمود عباس، رییس جمهور کشور فلسطین، وعده ارسال نفت و سوخت دیزل به کرانه باختری را داده بود.

همبستگی با مردم فلسطین و اعتراض علیه ستمهای روا شده از سوی نقش آفرینان و گردانندگان این صحنه های خونین، برای همه عدالت خواهان و انسان دوستان یک وظیفه بی آلترناتیو است. حمایت از مردم فلسطین و پایان دادن به این بی عدالتی همچنین از کانال مبارزه با رژیمهای ارتجاعی خودی می گذرد که در تنور جنگ و ویرانی، نان خود را برشته می کنند. در این میان به ویژه مبارزه مردم ایران علیه بزرگترین حامی جنگ و بحران در منطقه، جایگاه برجسته و مهمی دارد.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

## با پریشان گویی به جنگ درماندگی

جعفر پویه

رژیم ورشکسته و زمینگیر جمهوری اسلامی با روی کار آمدن حسن روحانی تلاش می کند تا راهی برای خروج از بن بست گرفتار شده در آن پیدا کند. حسن روحانی و دار و دسته بنفش دولت امنیتی- بوروکرات، همه سعی خود را در وزارت امور خارجه و ارتباطات خارج از کشور متمرکز کرده تا از طریق بند و بست، تحریمهای بین المللی علیه رژیم را کاهش و روزه ای برای خروج از بحران پیدا کنند. اما این دولت با سد محکم و به ظاهر نفوذ ناپذیر اما متزلزل ولی فقیه روبروست. هر چقدر روحانی سعی می کند تا رژیم را موافق مذاکره و حاضر به توافق بر سر برنامه اتمی و در اصل سیاستهای مخربش در سطح منطقه و بین الملل نشان دهد، علی خامنه ای با یکی به نعل و یکی به میخ زدن، گاه موافق و گاه مخالف، سیاست نشستن بین دو صندلی را پیش گرفته و تلاش دولت را برای رسیدن به یک توافق حداقلی که آنرا "جامع" می نامد، ناکار می کند.

### عاقله‌ها علیه بی خردها

حسن روحانی، رییس جمهور رژیم ملایان در نخستین سالگرد روی کار آمدنش گفت: "برای رسیدن به مقصود باید با همه جهان تعامل داشت و از نرمش قهرمانانه در مذاکره هراس نداشت." او که از منتقدان سیاستهای دولت بسیار ناراحت و عصبانی بود گفت: "در داخل کشور نیز برخی به دنبال تعامل هراسی و مذاکره هراسی هستند و به محض اینکه صحبت از مذاکرات پیش می آید می گویند ما هراس داریم. یک عده به ظاهر شعار می دهند، ولی بزدل سیاسی هستند و تا حرف مذاکره پیش می آید می گویند ما می لرزیم؛ به جهنم! چه کار کنیم؟"

هرچند به ظاهر روحانی شمشیر را علیه منتقدان اش از رو بسته و آنها را با ادبیات آخوندی نواخته است، اما بدیهی است که بخشی از این حرفها به گوشه عبای علی خامنه ای ساییده و او را نیز شامل می شود. روحانی بلافاصله می گوید: "امروز دولت اهل شعار نیست بلکه دولت اهل عمل است چون ما به جای شعار، شعور می خواهیم و به جای تصمیمات یکشبه، تدبیر می خواهیم."

اینگونه خطاب قرار دادن دولت احمدی نژاد که مورد حمایت همه جانبه خامنه ای بود، به کلی طرف حساب حرف روحانی را مشخص می کند. آنانی که از شعارهای عوام پسند خوش شان می آمد، "بی شعور" می شوند و حامیان تصمیمات یکشبه "بی تدبیر" که صدالبته دولت روحانی از این عیوب مبرا است.

به همین دلیل دو روز پس از سخنان روحانی، علی خامنه ای به میدان آمد و گفت: "عده ای اینجور وانمود می کردند که اگر با آمریکاییها دور میز مذاکره بنشینیم، بسیاری از مشکلات حل می شود، البته ما می دانستیم اینجور نیست و قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد."

او مذاکره رژیم با آمریکا را کاری بی منفعت دانست و گفت: "کدام عاقلی است که دنبال کار بی منفعت برود؟" رمز گشایی از این گفته های رهبر جمهوری اسلامی و منافع او و رژیم از شعار مبارزه با آمریکا در داخل کشور و منطقه یک طرف ماجرا و همکاری پنهان آنها با یکدیگر در بسیاری از موارد طرف دیگر آن است که در اینجا مورد نظر ما نیست تا به آن پردازیم. اما آنچه در این میانه مشکل ساز است، دست بسته بودن دولت برای توافق بین المللی و کاهش تحریمهاست. هرچند به ظاهر علی خامنه ای از سیاستهای دولت در پرونده اتمی دفاع می کند و بارها با مخاطب قرار دادن ظریف، به سرو گوش وزیر امور خارجه دولت او دست کشیده، اما واقعیت این است که خامنه ای به خوبی می داند که توافق نهایی بر سر برداشتن تحریمها سیاسی است و به هیچ وجه با گردش سانتریفیوژهای غنی کننده ربطی ندارد که با کم و زیاد کردن سرعت و یا تعداد آنها بتواند به مشکل پایان دهد. توافق نهایی در این مورد، توافق بین آمریکا و رژیم خواهد بود. در این صورت آمریکا صورت حساب سالیان دراز بگیر و ببند را روی میز خواهد گذاشت. اینکه رژیم آنها را

بپذیرد یا نپذیرد تفاوتی نخواهد کرد، زیرا آمریکا خواهان چیزی است که از هم اکنون علی خامنه ای را آنچنان دچار کابوس کرده که دشمنی با آمریکا را برجسته ساخته و توافق با آنرا کاری "بی منفعت" می داند. حال منفعت چه کسی، مسکوت می ماند و فعلن کسی به آن نمی پردازد. زیرا آنچه ارجحیت دارد نجات رژیم از بن بست کنونی است با بازکردن روزنه ای تا بتواند از نظر اقتصادی نفسی تازه کند، شاید بعد بتوانند در مورد آینده تصمیم بگیرند.

### مشتی وعده و تعداد بیشتری ادعا

دولت روحانی که به همه این موارد واقف است، همچون دولت احمدی نژاد به دروغگویی ادامه می دهد و با انتشار آمارهای غیر واقعی تلاش می کند به دیگران بفهماند که در سیاست اقتصادی خود موفق بوده است. اما یک نگاه گذرا به گفته های پایوران دولت به کلی خلاف آن را اثبات می کند و دم خروس از زیر عبای روحانی بیرون می زند و نشان می دهد که دروغگویی و مردم فریبی در رژیم ولایت فقیه نهادینه شده است. سنگ بنای چنین کاری را خمینی گذاشت و با "خدعه" نامیدن وعده های خود به مردم، خلاف آنچه عمل کرد که قول داده بود.

در نخستین سالگرد روی کار آمدن، دولت روحانی متن بسته پیشنهادی خود برای شکستن تورم و رونق اقتصادی را منتشر کرد. این متن سراسر متناقض پر از دروغهایی است که "دولت تدبیر و امید" به خورد دیگران می دهد و وعده هایی که امکان عملی شدن بسیاری از آنها با توجه به شرایط کشور بعید به نظر می رسد. در کلیات، دولت روحانی نیز همچون همتایان تا کنونی خود، امید به درآمد نفتی برای برون رفت از تنگناهای پیش رو را برجسته می کند، هرچند ادعای "اصلاحات اساسی در نظام بانکی، مالیاتی، اداری و گمرکی کشور" را دارد و آنها را بخشی جدایی ناپذیر از برنامه خود می نامد. به همین دلیل از خود شروع کرده و "پرداخت بدهیهای دولت به نظام بانکی" را ضروری دانسته که به آن اقدام خواهد کرد. "جذب سرمایه های خارجی و دسترسی صنایع داخلی به منابع بانکی برای رونق تولید" نیز ادعایی که دولت در متن برنامه خود به آن می پردازد.

تا همینجای کار ادعاهای بسیار ناممکنی شده که هر فرد آگاه به مسایل کشور را از مطالعه مابقی برنامه دولت بی نیاز می کند. دولتی که برنامه های خود را بر روی درآمدهای نفتی استوار کرده، همه سعی و تلاش خود را بکار می گیرد تا در مذاکرات اتمی راه گریزی بیابد و با کم کردن تحریمهای بین المللی به بخشی از آن دست یابد. غافل از اینکه طرفهای خارجی اعمال کننده تحریم اکنون دستیابی به هدف خود را نزدیک می بینند و دو دوزه بازیهای رژیم و توسل ظاهری به مذاکره و سیاست مذاکره برای مذاکره را خوب می فهمند و دیگر به آن وقعی نمی گذارند. کارکرد "کاغذ پاره" های ادعایی پادو سابق رهبر اکنون مشخص شده و دیپلماسی زبان بازی دولت روحانی و یکی به نعل و یکی به میخ رهبر دیگر کارساز نیست تا اندکی از فشار بکاهد و راه گریزی بیابد. به همین علت است که ادعای دولت در مورد مهار تورم و پایین آوردن آن و بهبود نرخ رشد تا حدود منفی دو را می توان ادعایی پوچ دانست. داده های خود دولتیان چنین چیزی را گواهی می دهد.

در سند منتشر شده در سالگرد دولت، ادعا شده که "از سوی دیگر افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت در کنار کنترل پایه پولی و کاهش مجموعه بی ثباتیهای اقتصاد کلان سبب شد اولاً تورم روندی کاهنده به خود بگیرد و ثانیاً تلاطمات ارزی جای خود را به ثبات در بازار ارز دهد."

### دم خروسی که وزیر اقتصاد نشان داد

پر بدهی است که کاهش تورم به چند شاخص بستگی دارد؛ اول از همه تولید و سپس رونق کسب و کار. اما علی طیب نیا، وزیر اقتصاد و دارایی در ۱۳ مهر در برنامه زنده تلویزیونی می گوید: "هم اکنون ۵۰ درصد واحدهای تولیدی کشور ناتوان از تامین ۷۰ درصد سرمایه مورد نیاز خود هستند، هر چند ۵۰ درصد باقی مانده واحدهای تولیدی کشور به کل ورشکسته و تعطیل شده اند."

او همچنین گفت: "در دو سال گذشته مردم به میزان ۲۰ درصد فقیرتر شده اند و تولید ناخالص ملی کشور در سال جاری ۱۰ درصد کاهش یافته است ... میزان بدهیهای هنگفت دولت به نظام بانکی و واحدهای خصوصی روشن نیست و در هر حال دولت قادر نیست در حال حاضر دیون خود را بپردازد."

اینها نه گفته منتقدان، بلکه سخنان وزیر اقتصاد روحانی است که دم خروس او را نمایان می کند. اگر ۷۰ درصد واحدهای تولیدی نتوانند سرمایه مورد نیاز خود را تامین کنند و ۵۰ درصد آنها نیز ورشکسته و از چرخه تولید خارج شده اند، چگونه ممکن است تورم سیر نزولی پیدا کرده و نرخ رشد از منفی ۶ به منفی ۲ رسیده باشد؟ صادرات نفت هم در حدی نبوده که بتواند پاسخ بسیاری از نیازهای جاری کشور را بدهد. پس چنین معجزه ای چگونه به وقوع پیوسته؟

همچنین محمود نجفی، عضو هیات ریسه انجمن قطعه سازان خودرو، در مصاحبه ای با خبرگزاری "ایلنا" می گوید: "دولت حسن روحانی هیچ برنامه ای برای حل مشکل مالی واحدهای تولیدی کشور یعنی یکی از دو مشکل عمده واحدهای صنعتی و به تبع معضل بیکاری و تورم ندارد."

او سپس اضافه می کند: "برغم ابراز خوش بینی مقامات دولت یازدهم در مورد اوضاع اقتصادی، نه فقط تعطیلی واحدهای صنعتی در دوره حسن روحانی متوقف نشده، بلکه رو به گسترش نیز نهاده است."

حال چه کسی راست می گوید؟ دولتی که ادعای بهبودی نرخ رشد دارد و نرخ تورم را کاهش داده یا آمارهایی که خلاف آنرا گواهی می دهند؟

از سوی دیگر اگر این بانکها هستند که باید منابع صنایع تولیدی را تامین کنند، دولت به عنوان بزرگترین بدهکار سیستم بانکی به گفته وزیر اقتصاد قادر به بازپرداخت دیون خود نیست. در اصل دولتیان چنان آب را گل آلود کرده اند که معلوم نیست دولت چه میزان به سیستم بانکی بدهکار است. از سوی دیگر عزت الله یوسفیان ملا، نماینده مجلس آخوندی و عضو "ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی"، ۴ مرداد به خبرگزاری حکومتی "ایرنا" گفت: "کل نقدینگی کشور در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است که حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان آن در قالب تسهیلات به عنوانهای مختلف در اختیار ۶۰۰ نفر قرار داده شده است."

یعنی ۶۰۰ نفر، یک چهارم نقدینگی کشور را تحت عناوین مختلف به جیب زده اند. دولت برای وادار کردن آنها به بازگرداندن این مبلغ گزاف چه کرده است؟ هیچ! پس چگونه توانسته نرخ رشد را بهبود دهد و تورم را کم کند، این رشد از کجا آمده است؟

### معمای رشد

اگر گفته وزیر اقتصاد دولت روحانی یعنی طیب نیا را نیز شنیده بگیریم که می گوید "در دو سال گذشته مردم ۲۰ درصد فقیرتر شده اند و تولید ناخالص ملی ۱۰ درصد کاهش داشته"، آن وقت معنی معجزه بیشتر مشخص خواهد شد که ادعای رساندن نرخ رشد از منفی ۶ به حدود منفی دو توسط روحانی چقدر واقعیت دارد.

فقط یک جمله یوسفی ملا پرده این غارتگری را بالا می زند و علت عدم پیگیری دولت روحانی در مورد این بدهیها را نمایان می سازد. او می گوید: "اگر بتوانیم حقایق را به مردم بگوییم، به یقین آقازاده هایی که در همه مسایل اقتصادی نفوذ پیدا کردند دیگر به خود اجازه نخواهند داد که بیت المال مردم را در دست داشته باشند."

بهتر از این آدرس غارتگران بانکها را نمی شد افشا کرد. با این حساب ادعای دولت در سند منتشره در مورد "اصلاحات اساسی در نظام بانکی" یاهو ای بیش نیست. یعنی آخوند روحانی چاقویی نیست که دسته خودش را ببرد. حال شاید ادعای آغاز بازپرداخت بدهی بانکها توسط دولت را بشود بهتر درک کرد. یعنی، باز از جیب مردم باید بدهی بانکها پرداخت شود. گویی همه جای دنیا این مردم هستند که باید تاوان غارتگری صاحبان قدرت را بپردازند و روز بروز فقیرتر شوند.

همین گونه است ادعای "اصلاحات اساسی نظام مالیاتی کشور"، یعنی دولت نه می تواند نه می خواهد که نهادهای زیر نظر رهبری که از بازرسی و پرداخت مالیات تا کنون خود را معاف کرده اند را به این چرخه بازگرداند و حق دولت در دادن امکانات را از آنان بستاند. با این حساب بسیاری از موسسات و سازمانهای اقتصادی زیر نظر رهبر که خود یک کارتل

اقتصادی عظیم هستند، همچنان از پرداخت مالیات معاف خواهند ماند و دولت نخواهد توانست از این راه اندک درآمدی داشته باشد. از سوی دیگر، بسیاری از نهادها، شرکتها و موسسات اقتصادی در دست سپاه پاسداران است. این ارگان نظامی نیز خود را مبرا از بازرسی، حسابرسی و پرداخت مالیات می داند. با این حساب بجز همان حقوق و دستمزد اندک مزدبگیران که در دسترس دولت قرار دارد، چه کس یا کسان دیگری وجود دارند که دولت می خواهد مالیات آنان را اصلاح کند؟ مثل اینکه سلمانی دولت تنها می تواند سر عده معدودی را بتراشد و دست اش از دیگران کوتاه است!

عجیب اینکه علیرضا محبوب عضو مجلس آخوندی و "دبیر کل خانه کارگر" تحت کنترل رژیم به خبرگزاری ایلنا می گوید: "اکنون ۹۰ درصد جامعه کارگری ایران زیر خط فقر به سر می برد و ۱۰ درصد باقی مانده آن فاصله چندانی با خط فقر ندارد."

اگر این وضعیت کارگران کشور باشد که در زیر خط فقر بسر می برند و ناتوان از تهیه مایحتاج ضروری خود هستند، پس این نشانه های رشد را دولت روحانی چگونه می خواهد نشان دهد. طبق همه داده ها و اعترافات مقامات دولتی و حکومتی، فقر در سال گذشته تشدید شده و درآمد خانوارها به شدت کاهش پیدا کرده است. عدم تحرک دولت در بخش عمران و تخصیص ندادن بودجه به این بخش نیز باعث کاهش تقاضای موثر شده است، همه اینها نشانه های رکود بیشتر و تنزل رشد است. اما دولت ادعای دیگری دارد. مثل اینکه آمار سازی و کاغذ بازی شیوه و رویه ای است که دولتهای در قدرت رژیم ولایت فقیه به آن دست می زنند تا حداقل روی کاغذ خود را موفق نشان دهند و گرنه تاثیر چنین ماجرای بر زندگی روزمره مردم نه تنها وجود ندارد، بلکه اوضاع آنها روز به روز بدتر شده و به قهقرا می رود.

به این بخش از سند منتشره دولت در مورد شکستن رکود و رونق اقتصادی توجه کنید: "در مجموع با تشخیص وضعیت رکود تورمی برای سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، دولت اولویت نخست را به کاهش تورم فزاینده داد و در این راه، از کنترل دستوری قیمتها و اتخاذ راهکارهای موقتی که به صورت مکرر در فضای اقتصادی کشور امتحان شده اند پرهیز و سعی نمود با کنترل عوامل اصلی ایجاد تورم یعنی اجزای پایه پولی، تورم را کاهش دهد. از سوی دیگر دولت یازدهم موفق شد با مدیریت انتظارات و تقویت روحیه ایجاد شده در جامعه، نااطمینانی موجود در اقتصاد را با اعتماد و اطمینان و امید به آینده جایگزین نماید و از این طریق هدف ایجاد آرامش و ثبات در بازار ارز و سایر داراییها را محقق نماید." آیا شما فهمیدید دولت چگونه توانست "تورم را کاهش دهد" و "آرامش و ثبات در بازار ارز و سایر داراییها را محقق نماید"؟

از عجایب روزگار است که روحانی با "مدیریت انتظارات و تقویت روحیه" موفق به اینکار شده است. بدون رودربایستی بگویم که با دروغ گفتن و سر مردم کلاه گذاشتن فعلن توانستم از مهلکه بگریزم، و گرنه حرف درمانی هر کجا کاربرد داشته باشد، در اقتصاد ندارد زیرا به قول خمینی "اقتصاد مال خر است" و حدیث و روایت سرش نمی شود.

## در انتها

حسن روحانی همه تلاش خود را به خرج می دهد تا بتواند در مذاکره با طرفهای خارجی اندکی از تحریمها بکاهد و مفری برای اقتصاد فرو پاشیده رژیم بیابد، اما از سوی دیگر علی خامنه ای، بیت و نهادها تحت سرپرستی او و آن کسانی که یوسفیان ملا می گوید که ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول بانکها را بالا کشیده اند و منافع بسیاری دارند، از عواقب توافق سیاسی نهایی با آمریکا هراسانند؛ هر چند می دانند بدون این توافق نیز ادامه حکومت شان با مشکلات اساسی روبروست. بنابراین آنها بار دیگر حاکمیت دوگانه ای را شکل داده اند که در عرصه بین المللی کاربردی ندارد و راه به جایی نمی برد. عدم مشخص بودن منبع تصمیم گیری، طرفهای خارجی را هشیار کرده که هر گونه توافقی می تواند روز بعد کن لم یکن شود. حرفهای ضد و نقیض خامنه ای نه تنها دردی از دولت روحانی و رژیم جمهوری اسلامی دوا نمی کند، بلکه کار را برای او مشکل تر خواهد کرد.

هرچند دولت روحانی ادعا می کند توانسته ثبات اقتصادی در کشور برقرار کند - اگر چه آمارها خلاف آن را گواهی می دهند - تنش سیاسی داخلی و استیضاح وزیر علوم و فحاشی روحانی به منتقدان و رقبای خود و وارد شدن رهبر و ولی



فقیه به این تنش هم گواهی می دهد که لازمه ثبات اقتصادی، ثبات سیاسی است که در کشور وجود ندارد. یعنی بیله دیگ بیله چقندر!

ابراز دلخوشی روحانی از مذاکره با شش قدرت جهانی که تا کنون تشریفاتی و حقوقی پیش رفته، فقط جنبه تبلیغاتی دارد. تصمیم نهایی با آمریکا و در توافق نهایی به دست خواهد آمد و آنهم سیاسی است. اینجا گرانیگاه رژیم ولایت فقیه است. کشاکش روحانی و خامنه ای به عنوان نماد دو جریان اصلی داخل رژیم در اینجاست. تا چه اندازه این توافق محتمل است، معلوم نیست، اما بدون آن نیز ادامه حیات برای رژیم ولایت فقیه ناممکن است. آیا راه دیگری وجود دارد و کانال جنبی ای می تواند باز شود؟ این پرسشی است که پاسخ آن را زمان خواهد داد.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

**nabard@iran-nabard.com**

## **انصراف مالکی: فرو رفتن در قعر بحرانی خودساخته**

آناهیتا اردوان

انصراف مالکی از تصدی پُست نخست وزیری برای سومین بار، پس از مدت‌ها پافشاری و اصرار خودسرانه در تاریخ چهارده آگوست در حضور "حیدر العبادی"، نخست وزیر جدید، از مهمترین رویدادهای سیاسی کشور عراق به شمار می آید. پیشتر، نوری مالکی در یک سخنرانی اعلام داشت که علیه فواد معصوم، رئیس جمهور عراق به دادگاه عالی فدرال شکایت خواهد کرد و ریاست دولت را حق خود دانست. در این روند، بخشی از "ائتلاف دولت قانون" نیز در بیانیه ای پست نخست وزیری را تنها حق مالکی دانست. واحدهای مسلح از نیروهای امنیتی تحت امر نوری مالکی به فرمان وی در مناطق کلیدی بغداد مستقر گردیدند؛ حرکتی که سبب شد تا "جان کری"، وزیر خارجه آمریکا، به وی اخطار دهد که ناآرامی را دامن نزند و به زور متوسل نگردد. "مک گرین"، معاون وزیر خارجه آمریکا نیز موضع مالکی را نادرست دانست و از رئیس جمهور و نخست وزیر جدید پشتیبانی کرد. "ماری هارف"، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا هم در بیانیه ای گفت که آمریکا با هر گونه تلاش برای کسب نتیجه از طریق زورگویی و دستکاری در قانون اساسی یا روند قضایی مخالف است. شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ارتجاع، با نزدیک شدن بحران به نقطه جوش به عراق رفت و طی دیداری با نوری مالکی و آیت الله سیستانی، از انتخاب رئیس مجلس جدید عراق حمایت کرد. در صورتی که بسیاری از رسانه های رژیم و فرماندهان سپاه پاسداران از ایستادگی نوری مالکی استقبال می کردند و واگذاری پست نخست وزیری به حیدر عبادی را خواسته دولتهای غربی نامیدند. این دوگانگی رویکردها در ساختار قدرت، پراکندگی و پریشانی بین جناح ولایت فقیه و رفسنجانی - روحانی در شیوه پیشبرد سیاستهای استراتژیک ارتجاع در منطقه را بیشتر از پیش هویدا می سازد. به رغم سفر شمخانی به عراق جهت کنترل شرایط، بحران سیاسی این کشور آنچنان شدت یافته بود که هیچ رهیافتی به جز خلع قدرت از نخست وزیر درمانده و محبوب رژیم در چشم انداز دیده نمی شد.

روند تشدت و جدایی در "حزب الدعوه" بواسطه سماجت مالکی با جدا شدن طرفداران حیدر عبادی و گروه فضیلت محمد یعقوبی از لیست ائتلاف قانون و پیوستن گروه حسین شهرستانی به آنان تسریع گشت. بر همین اساس، حدود ۴۵ نفر از نمایندگان ائتلاف قانون به همراه گروه عمار حکیم، صدریها و حزب فضیلت (در جمع ۱۲۷ نماینده)، لیستی به فواد معصوم مبنی بر موافقت با نخست وزیری حیدر عبادی ارایه کردند. بدینوسیله، عملکرد نوری مالکی حول محور "انحصار طلبی" جهت تحکیم و حفظ قدرت مطلقه آنقدر پیش رفت تا ماندگاری اش را برای حامیان داخلی و خارجی اش ناممکن ساخت. ژرفش تضاد بین احزاب و فراکسیونها و حتی بین اعضای حزب الدعوه تحت تاثیر فشار مبارزه مسالمت آمیز و قهر آمیز شهروندان سنی از یکسو و در تنگنا قرار گرفتن مالکی از جانب احزاب و فراکسیونهای مختلف از سوی دیگر، شرایطی

فراهم ساخت که حامیان منطقه ای و جهانی اش را وادار به روی گرداندن از وی ساخت. سرانجام، مالکی با وجود ژست قلدربابانه در قعر بحرانی خودساخته فرو رفت.

### داعش ماحصلِ پروژه خاورمیانه بزرگ و استبداد

حضور منحوسِ نیروی ارتجاعی داعش، "دولت اسلامی"، محصول دکتترین نظم نوین جهانی امپریالیسم و پروژه "صدور دموکراسی" است که بر خلاف وعده دروغین ایجاد ساختار سیاسی دموکراتیک در عراق، به تشکیل حکومتی مبنی بر استبداد فردی و مذهبی فرجام یافت. نوری مالکی از سال ۲۰۰۶ با پشتیبانی و حمایت دولت آمریکا برای پست نخست وزیری و رسیدگی به امور کشور انتخاب شد و دولت خود را بر طبق تفکرات قومی و مذهبی، سکتاریستی بنا نهاد. بدین ترتیب، عراق بر اساس گزارش دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۱۲، هشتمین کشور جهان از نظر فساد اداری، قتل و جنایت و سرکوب مخالفان نام گرفت. فقر، ناتوانی اقتصادی و بیکاری، با تداوم نخست وزیری نوری مالکی به طور سالانه افزون تر گشت به طوری که به گزارش سازمان ملل در مارس ۲۰۱۴، بیش از ۲۳ درصد از مردم عراق زیر خط فقر بسر می برند. مراجع دیگر این میزان را بیش از ۳۰ درصد، یعنی ۱۲ میلیون نفر گزارش کرده اند.

مبارزه مسالمت آمیز حداقل از سال ۲۰۱۲ نه تنها در مناطق سنی نشین، بلکه دیگر مناطق عراق، فلوجه، موصل، کرکوک، بیجی، تکریت، سامرا، جلالو، ناصریه، بغداد و شهرها و روستاهای سراسر کشور علیه دستمزد پایین و شرایط اسفناک اقتصادی، سرکوب زندانیان سیاسی به ویژه زنان و فقدان امکانات رفاهی همگانی اوج گرفت. دولت خودکامه مالکی پاسخ اعتراض مسالمت آمیز شهروندان عراقی را با گسیل ماموران تا دندان مسلح، دستگیری، زندان و شکنجه، ترور و ایجاد رعب وحشت داد و هر صدای عدالتخواهانه ای را با برچسب تروریسم سرکوب کرد. اکثریت شهروندان معترض به طبقه کارگر و دیگر گردانهای زحمتکش جامعه تعلق داشتند که در نهایت مالکی مبارزه قهر آمیز را به آنان تحمیل نمود. بمباران مکرر فلوجه و رمادی بجهت ایستادگی و اعتراض به سیاستهای فرقه گرایانه و اجرای دستورات ولایت فقیه، از بارزترین نمودهای سرکوب و کشتار شهروندان عراقی توسط دولت نوری مالکی است.

وی بدون در نظر گرفتن رنج و حرمان بی حساب شهروندان عراقی، با حربه قدیمی "تفرقه بنداز و حکومت کن" سعی در انحراف نگاه مخالفان از مشکل اصلی نمود. سیاست سرکوب، تحقیر و عدم رعایت حقوق اقوام و ملل مختلف به ویژه سنیها، به حاشیه راندن مطالبه ای که حقوق دموکراتیک آحاد مردم عراق فرا از مذهب و نژاد را مطرح می کرد زیر عنوان "مبارزه با تروریسم" و سوواستفاده از احساسات قومی و مذهبی جهت تثبیت اقتدار و قدرت، فضا را برای بازگشت قوی تر داعش فراهم ساخت.

جنايات، هتك حرمت و بی ارزش شمردن جان و کرامت شهروندان عراقی توسط داعش محصول سرکوب تمام عیار مبارزه شهروندان عراقی برای به دست آوردن حقوق خود است. البته مبارزه علیه نقض حقوق ملتها و استقرار عدالت با وجود سرکوب گسترده نیروی سرکوبی مالکی تعطیل بردار نبود، انصراف مالکی بیش از آنکه محصول تضاد بین بالاییها باشد، مدیون مبارزه مردم عراق، به ویژه سنیها علیه حکومت مطلقه مالکی جهت احراز ساختار سیاسی کثرت گراست.

### "دولت اسلامی" در خدمت لغو تحریمها

حمله نظامی امپریالیسم آمریکا به عراق و اشغال این کشور و ... بیشتر از آن که پروژه جهانی سازی سرمایه را پیش ببرد، آن را به حیاط خلوتی برای تاخت و تاز گروههای ارتجاعی و در راس آن رژیم ولایت فقیه بدل کرد که از کمک مالی و تسلیحاتی به هیچ نیرو و عنصری که منافع آنان را در منطقه تامین سازد، هر چند مقطعی، چشم نمی پوشد. این موضوع در سخنان وزیر امور خارجه ام القرای نظری داعشیان پیرامون برخورد با "دولت اسلامی" در عراق هویدا می گردد. به گزارش خبرگزاری مهر، ۳۱ مرداد، وی در گفتگویی تلویزیونی می گوید: "لازمه کمک ایران به غرب در برخورد با داعش، لغو تحریم است."

چنین درخواستهایی از منافع مشترک داعش و رژیم ولایت فقیه که هر دو از یک اسلوب ایدیولوژیک، بنیادگرایی مذهبی، پیروی می کنند، پرده برمی دارد. رژیم از زبان وزیر خارجه اش، تلاش خود برای بهره برداری از جنایتهای داعش در عراق جهت تغییر توازن قوا به نفع منافع و مطامع ارتجاعی در منطقه، حذف تحریمها و خلاصی از بحران بین المللی را آشکار ساخته است. بحران امنیتی که عراق در آن گرفتار آمده، پیامد مخرب پروژه خاورمیانه بزرگ و مماشات فرصت طلبانه با رژیمهای استبدادی ولایت فقیه و بشار اسد و ... است. این سیاستی است که در رویکرد متناقض در حمله به پایگاههای داعش در عراق ولی مدارا کردن با دولت بشار اسد و داعش که تاکنون بیش از ۴ هزار نفر از اعضای "ارتش آزاد" را به قتل رسانده و شراکت منافع در عراق با رژیم ولایت فقیه که دارای ماهیتی همگون با دولت اسلامی است، بازتاب می یابد. دوگانگی رویکرد آمریکا به بنیادگرایی مذهبی، نیروهای ارتجاعی و دولت‌های استبدادی منطقه در راستای تامین منافع پروسه خاورمیانه بزرگ، حامل پارادوکسی می باشد که به تولید و بازتولید نیروهای ارتجاعی قرون وسطایی می انجامد. برآمد و صعود بنیادگرایی مذهبی در دوران کنونی یک معضل جهانی است که همچون زنجیری بهم پیوسته عمل می کند. از همین رو، مماشات با جمهوری اسلامی به مثابه سلسله جنبان بنیادگرایی مذهبی در منطقه به پیدایش و ادامه حیات نیروهای ارتجاعی نظیر داعش یاری می رساند.

### دموکراسی پادزهر بنیادگرایی

فواد معصوم، رییس جمهور عراق از عبادی خواسته است که دولتی با پشتوانه وسیع تشکیل بدهد. احزاب و فراکسیونهای مختلف به همراه بارزانی و شورای نظامی عشایر سنی نیز با بیان خواسته هایشان، همکاری خود با دولت جدید را اعلام کرده اند.

تلویزیون "العربیه الحدث"، ۲۶ مرداد، از تدوین طرحی توسط نیروهای سنی برای تشکیل دولت و کمیته های مذاکره کننده جهت ارایه به نخست وزیر جدید گزارش داد که مبتنی بر خواسته های تظاهرکنندگان است. "علی حاتم سلیمان"، در گفتگویی با تلویزیون "الخبره" در تاریخ ۲۵ مرداد ابراز امیدواری کرد که دولت جدید به رنجهای مهاجران پایان دهد و اولین اولویت شهروندان سنی را پایان آتشباریها و جبران خسارتهای وارده اعلام کرد. (جنگنده های دولت مالکی بیش از ۲۳ بار، بیمارستان فلوجه را مورد هدف بمبارانهای بشکه ای حاوی مواد منفجره قرار داده اند - العربیه - ۶ آگوست ۲۰۱۴) دکتر "طه حمدون"، سخنگوی "جنبش مردمی" نیز به گزارش العربیه الحدث ۲۴ مرداد ابراز داشت: "اگر حقوق اهل سنت داده شود، دولت اسلامی از بین خواهد رفت و تاثیرات آن باقی نخواهد ماند. اکنون مردم در این استانها با این که اختلافات زیادی در اندیشه و ایدیولوژی با دولت به اصطلاح اسلامی دارند، ولی در برابر آن سکوت کرده اند، زیرا از طرف مالکی و شبه نظامیان ستم زیادی به مردم می شد و تسویه اختلافات با دولت اسلامی را موکول به بعد کرده اند. اگر خواسته های این مردم برآورده شود، بلافاصله دولت اسلامی نیز تمام می شود."

### برآمد

برخورد با چالشهای ژرف امنیتی، سیاسی و اقتصادی عراق در گام نخست به احقاق حقوق شهروندان عراقی مستقل از تعلق مذهبی و قومی آنها و رعایت حق شراکت شان در قدرت سیاسی، پایان دادن به بمباران مناطق سنی به ویژه فلوجه و رمادی، اجرای معاهدات اربیل و تأسیس شورای ملی استراتژیک، حل عادلانه تنشها میان کردستان و دولت مرکزی پیرامون بودجه اقلیم، مناطق مورد مناقشه، تعیین حد و مرز استان کردستان و صادرات نفت وابسته است. اگرچه عبادی نیز مانند نوری مالکی از رهبران حزب الدعوه و فراکسیون دولت قانون است که همراه گروههای شیعه دیگر به ائتلاف بزرگی موسوم به "ائتلاف ملی عراق" به ریاست ابراهیم جعفری تعلق دارند، ولیکن انصراف مالکی به عنوان مهره سرسپرده تمام عیار به بنیادگرایی مذهبی ولایت فقیه، تغییر توازن قوا به نفع کثرت گرایی برابر خودکامگی را تسهیل می کند. در هر صورت، در عراق فصل جدیدی از پیکار برای احقاق حقوق آحاد شهروندان عراقی، دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی و رهایی از بنیادگرایی مذهبی آغاز شده است که با وجود تمامی اُفت و خیزها، پای اُستوار می فشارد.

## سرنوشت مالکی، سرنوشت همه دیکتاتورها

شهره صابری

دیکتاتور مالکی سرانجام پس از ایجاد شر بسیار به سرنوشت قطعی و مکتوب دیگر دیکتاتورها دچار شد. مالکی پس از ارتکاب جنایات و تفرقه افکنیهای بسیار از مقام خود عزل شد. اقدامات نوری مالکی تحت قیومیت رژیم ایران نارضایتی بسیاری از مردم عراق و به خصوص سنیها و کردها را در پی داشت. برافتادن مالکی نتیجه تجاوزات و اعمال ضد منافع مردم، تبعیضها و تضادهای اجتماعی عراق است که اغلب در جهت سیاستهای رژیم ایران اعمال می شد. رژیم ایران با تفرقه افکنی در عراق و پیگیری سیاستهای ضد خلقی خود به نارضایتی گروههای اجتماعی در عراق علی الخصوص کردها و سنیها دامن می زد.

نارضایتی از مالکی به عنوان عامل اصلی مشکلات و بحرانهای عراق باعث شد که ائتلاف اتحاد ملی با اکثریت ۱۲۷ رای حیدر العبادی را به عنوان نامزد نخست وزیری عراق انتخاب کند. حیدر العبادی با حمایت بی نظیری به این موقعیت رسید. این انتخاب در ابتدا ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی را برآشفست. اما پس از موافقت و خوشرویی سریع و بلافاصله آمریکا و دیگر کشورهای غربی، حمایت نه چندان قوی رژیم ایران را هم به دست آورد.

گروههای موافق برکناری مالکی اغلب از خطراتی که عراق را تهدید می کرد هراسان و برکناری مالکی را تسکینی برای دردهای عراق می دانند. حمایت از مالکی از سوی بسیاری از هواداران او و حتی از سوی شبه نظامیان مدافعش برداشته شده است. شبه نظامیان «عصائت اهل الحق» که بزرگترین گروه هوادار مالکی به شمار می آمد، حمایت خود را از حیدر العبادی اعلام کرد. این گروه در بیانیه ای اعلام کرد: «در سایه حوادث امنیتی خطرناکی که کشور را در بر گرفته و قرار گرفتنش در معرض شدیدترین حملات تکفیریه که سعی در هدف قرار دادن مردم، از میان بردن تار و پود جامعه و تجزیه وطن دارند، شاهد حوادث سیاسی بسیار خطرناکی هستیم که می تواند اوضاع را بدتر کند.» اغلب عراقیان بر لزوم برکناری مالکی و جانشینی حیدر العبادی متفق القولند. از لحاظ بین المللی نیز حمایتهای عمده ای از العبادی به عمل آمد که متحدان و مخالفان پیشین مالکی در میان آنها به چشم می خوردند.

اوباما به العبادی وعده داده است در صورت تشکیل دولتی همه جانبه در عراق از او حمایت کرده و گفته است او را در برابر شبه نظامیان یاری خواهد کرد. امیدواری به حل مشکلات و بحرانها با نخست وزیری عبادی و بیرون رفتن مالکی از مناسبات سیاسی، همکاریها و ائتلافهای جدیدی را سبب شده است.

نارضایتی عمیق نسبت به مالکی حتی سبب شد که بارزانی وی را در حمله گروه تروریستی داعش تنها بگذارد. صبوری کردها در برابر داعش ناشی از نارضایتی آنها از سیاستهای رژیم ایران و دست پرورده ی آنها، مالکی است. پیشمرگه های کردستان تا پیش از برافتادن مالکی و قبل از آن که داعش به کردستان حمله کند، نظاره گرانی در برابر داعش بودند. اما می بینیم که بعد از برافتادن مالکی از قدرت، پیشمرگه های کردستان به میدان جنگ علیه داعش راهی می شوند. این نوع اقدام بارزانی را می توان اقدامی تاکتیکی در برابر نوری مالکی و همچنین رژیم ایران دانست.

در چند روز اخیر یکی از اتفاقات قابل بررسی و دارای اهمیت دیدار بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان و مقامات ترکیه است. یکی از جهات این دیدار صحبت درباره به رسمیت شناختن کردستان مستقل است. مسعود بارزانی در پی برگزاری همه پرسی برای استقلال کردستان است و برای همین در پارلمان اقلیم کردستان شرکت و مساله ی استقلال کردستان را مطرح کرد. واکنش آمریکا در این مورد مخالفتی بلافصل بود. جنیفر ساکی سخنگوی وزارت خارجه ی آمریکا گفت آمریکا خواهان دولتی فراگیر در عراق است و از مسعود بارزانی خواست که در تشکیل دولت عراق مشارکت کند. طبق گفته های جنیفر ساکی آمریکا از استقلال کردستان حمایت نمی کند، اما بارزانی از نیروهای کرد خواسته تا کرکوک و دیگر مناطق مورد اختلاف را ترک نکنند. ساکی مساله ی استقلال کردستان را غیر جدی گرفته است. استقلال کردستان می تواند روی مسائل و درگیرهای دیگر آمریکا در خاورمیانه تاثیر داشته باشد که یکی از آنها روند مذاکرات با رژیم است در صورت توافق بین رژیم ایران و آمریکا، استقلال کردستان می تواند به روابط دلال واران ی آمریکا با رژیم ایران خدشه وارد کند.

نشان دادن روی خوش از سوی رژیم ایران به العبادی می تواند مقدمه چینی برای مداخله ی دوباره در عراق اما اینبار از کانالی دیگر باشد.

یکی دیگر از توافقیهای احتمالی در دیدار بین بارزانی و مقامات ترکیه می تواند موضوع صادرات نفت به ترکیه باشد. بارزانی اعلام کرده که از مناطق مورد اختلاف که اکنون در دست کردها است خارج نمی شود. با توجه به این که مهمترین بخش مورد مناقشه کرکوک است و با توجه به این که کرکوک یک منطقه با منابع سرشار نفت است، به نظر می رسد که آمریکا نمی خواهد کنترل منابع نفتی عراق از دست دولت مرکزی خارج شود. برای همین است که بر تشکیل دولتی فراگیر در عراق اصرار دارد.

در مسیر پیگیری شده توسط آمریکا در خاورمیانه، برافتادن مالکی با توجه به تضاد های عمیق در جامعه ی عراق و همچنین تحولات به وجود آمده در دیگر کشورهای خاورمیانه امری گریز ناپذیر و غیرقابل اجتناب بود. اما همچنان خطر مداخله ی رژیم ایران در عراق با توجه به مسیر وقوع پیشامدها، باقی است.

## سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

### چالشهای معلمان در مرداد ماه

فرنگیس بایقره

#### بازار کار معلمی برای زنان در آینده محدود می شود

ایلنا، ۱ مرداد - یک عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با اشاره به این که اکثریت پرسنل آموزش و پرورش را زنان تشکیل می دهند، گفت: "این مساله باعث می شود که بازار کار آینده در آموزش و پرورش برای خانمها محدودتر شود." عبدالوحد فیاضی گفت: "در حال حاضر آموزش و پرورش به خصوص آموزش و پرورش شهر تهران، بیشتر با عدم تعادل جنسیتی پرسنل مواجه است به این معنی که به حد نیازش نیروی مرد ندارد، اما در مقابل بیش از حد نیاز خود نیروی زن دارد." این عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات یادآور شد: "به طور کلی در آموزش و پرورش به دلیل برخی ملاحظاتی که وجود دارد، معلمات زن در دبیرستانهای پسرانه حضور نمی یابند و در مدارس دخترانه نیز نیروی مرد کمتر به کار گرفته می شود، اما به طور کلی اکثریت پرسنل آموزش و پرورش را زنها تشکیل می دهند."

وی گفت: "بر اساس آخرین آماري که ما از آن مطلع هستیم، حدود هفتاد درصد معلمان را زنان تشکیل می دهند که بسیار بیشتر از نیاز آموزش و پرورش است و این البته باعث می شود که بازار کار آینده در آموزش و پرورش برای خانمها محدودتر شود."

فیاضی با بیان اینکه برای ایجاد تعادل جنسیتی میان پرسنل آموزش و پرورش لازم است در گزینش نیروهای جدید از آقایان بیشتر استفاده شود، ابراز داشت: "البته این موضوع در مناطق مختلف متفاوت است، چرا که در برخی مناطق تعداد مردها بیشتر از زنهاست و این تعادل جنسیتی را باید در داخل آموزش و پرورش تدبیر کرد."

#### برده کشی آموزشی از معلمان آزاد با پرداخت حقوق سیصد هزار تومانی

حقوق معلم و کارگر، ۵ مرداد ماه - اخیرا در دولتهای دهم و یازدهم با اقدامی عجیب و قابل تامل، معلمانی بدون ثبت پرسنلی به شکل آزاد جذب آموزش و پرورش شده اند. در حالیکه کارشناسان اقتصادی خط فقر را یک و نیم میلیون تومان برای هر خانواده در یک ماه برآورد می کنند، این افراد با حقوقی معادل سیصد هزار تومان در ماه و بدون بیمه به عنوان آموزگار جذب شده اند. این آموزگاران بدون ثبت پرسنلی و اختصاص ردیف استخدامی و حکم کارگزینی، به عنوان معلم

آزاد در روستاها و مناطق غیر برخوردار شاغل هستند. در حقیقت آموزش و پرورش برای تامین نیروی انسانی جهت صرفه جویی به روشی غیر استاندارد (برده کشی آموزشی) و غیر حرفه ای رو آورده است. زیرا این افراد نه با رضایت کامل، بلکه به دلیل نیاز مالی و معنوی به داشتن شغل و تحت فشار بودن از سوی خانواده و جامعه، با مدارک بالا که گاهی تا فوق لیسانس هم هست، با دریافت ناچیزترین حقوق آموزشی به مدرسی در مناطق غیر برخوردار - گاهی با جاده های صعب العبور - می روند.

### آموزش و پرورش هم بابت پیش دبستانی پول می گیرد، هم سیاست می گذارد

ایلنا، ۵ مرداد - مهدی بهلولی، یک فعال صنفی معلمان در واکنش به سخنان معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش که از اجباری شدن پیش دبستانیها تا چند سال آینده خبر داده بود، گفت: "پیش دبستانی در حال حاضر بر اساس برنامه درسی ملی "دوساله" و "اختیاری" در نظر گرفته شده است اما آنها قصد دارند این دوره آموزشی را اجباری و پولی کنند." وی با اشاره به گفته این مقام آموزش و پرورش مبنی بر برگزاری رایگان پیش دبستانی در روستاهای محروم افزود: "رایگان شدن پیش دبستانی در روستاهای محروم بدان معناست که این دوره آموزشی در سایر نقاط کشور پولی برگزار خواهد شد. این در حالی است که جمعیت قابل توجهی از شهرنشینان نه تنها پولدار و مرفه نیستند، بلکه از طبقات ضعیف جامعه به شمار می آیند، بنابراین اجباری کردن پیش دبستانی آن هم با انداختن هزینه های گزاف بر دوش خانواده ها، اجحاف در حق این قشر است." بهلولی ضمن انتقاد از تحمیل آموزشهای القایی و ایدیولوژیک در پیش دبستانیها، افزود: "وزارت آموزش و پرورش می خواهد از طرفی پیش دبستانی را اجباری و پولی کند و از طرف دیگر، سیاست گذاری برای این دوره آموزشی را بر عهده داشته باشد. به عبارت دیگر، این نهاد دولتی قصد دارد بچه های مردم را با پول خانواده هایشان آن جور که دلخواه خودش است، تربیت کند. می گویند پیش دبستانیها باید تفکیک جنسیتی شوند، در حالی که بچه های ۴ و ۵ ساله از جنسیت اطلاعی ندارند."

### استخدام مربیان پیش دبستانی منتفی است

خبرهای مهم فرهنگیان، ۷ مرداد - ابوالقاسم خسروی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در پاسخ به این پرسش که وضعیت برگزاری آزمون استخدامی مربیان پیش دبستانی به کجا رسید اظهار داشت: "دو سال پیش بود که مجلس اسلامی تصویب کرد تا این آزمون برگزار شود و دولت و وزارت آموزش و پرورش مهلت ۲ ساله ای برای برگزاری این آزمون و بکارگیری این نیروها داشتند که این مهلت یک ماه دیگر تمام می شود." وی ادامه داد: "از آن زمان تاکنون هیچ کاری در این خصوص انجام نشده است و قانون تصویبی مجلس شورای اسلامی اجرا نشد. فانی وزیر آموزش و پرورش دنبال آن است که آزمون را برگزار کند، اما هیچ ردیف استخدامی وجود ندارد."

### ادامه پرونده سازی علیه رسول بداقی

حقوق معلم و کارگر، ۱۰ مرداد - چهار سال و ده ماه است که رسول بداقی، کنشگر صنفی فرهنگی بدون مرخصی و با تحمل سخت ترین شرایط در اوین و رجایی شهر زندانی است. به طوری که به او حتی برای مراسم تدفین و تشییع مادرش هم اجازه خروج ندادند. همزمان با انتخاب رسول بداقی به عنوان برنده جایزه حقوق بشری "رها" در سال ۹۲، به دلیلی نامعلوم کتابخانه اندرزگاه ۴ زندان رجایی شهر بسته شد و با اعتراض بداقی به این اقدام، ماموران او را به انفرادی بردند. پس از چند روز برای او در دادگاه انقلاب کرج به اتهام اخلاف در نظم زندان پرونده جدید تشکیل داده شد. پیمان حاج محمود عطار، وکیل کانون صنفی معلمان در اعتراض به این تصمیم با تنظیم نامه ای از رییس قوه قضاییه خواست تا به پرونده سازی علیه معلمان و زندانی کردن آنان پایان دهند.

در اردیبهشت امسال وکیل کانون صنفی معلمان، با ارایه مستندات قانونی اعلام کرد که رسول بداقی طبق قانون باید در شهریور ۹۳ آزاد شود. با اعلام این خبر موجی از شادی بین فعالان صنفی و خانواده ی فرهیخته بداقی ایجاد شد. در

حالیکه فرزندان چشم انتظار آزادی پدرشان در انتهای تابستان هستند، متأسفانه برخی از مسوولان مرتبط با پرونده با استناد واهی دریافت جایزه و کمک مالی از - به گفته ی خودشان - "خارج نشینان" توسط کانون صنفی معلمان برای ارایه به رسول بداقی، دادن مرخصی و آزادی ایشان را منتفی دانسته اند.

به این وسیله اعلام می گردد که تاکنون کانون صنفی معلمان هیچ جایزه و یا کمک نقدی از داخل و خارج کشور جهت ارایه به رسول بداقی دریافت نکرده است و از سال ۸۹ با قطع شدن حقوق ایشان، تمام مخارج زندگی اش از صندوق مالی کانونهای صنفی معلمان ایران که خودش نیز در آن صندوق عضویت دارد، تامین شده است.

### مشکلات بیمه طلایی فرهنگیان تشدید شده است

ایلنا، ۱۲ مرداد - یک عضو کانون صنفی معلمان با اشاره به تغییر قرارداد بیمه طلایی فرهنگیان از بیمه "ایران" به بیمه "آتیه سازان حافظ" عنوان کرد که قدرت بیمه جدید کاهش یافته است. مهدی بهلولی اظهار کرد: "در حال حاضر تعداد درمانگاههای در نظر گرفته شده برای فرهنگیان کمتر از گذشته شده. برای نمونه در منطقه ۵ تهران هیچ درمانگاهی برای خدمات دهی به افراد تحت پوشش بیمه طلایی فرهنگیان وجود ندارد. همچنین خدمات دندانپزشکی نیز از مراکز عمومی حذف شده و تنها در مراکز ویژه آموزش و پرورش این خدمات ارایه می شود که سبب ازدحام جمعیت در این مراکز و مشکلات بسیار برای گرفتن وقت از پزشک شده است." بهلولی همچنین به یکی دیگر از مشکلات بیمه طلایی فرهنگیان اشاره کرد و افزود: "مبلغی که بیمه برای خدمات دندانپزشکی و خرید عینک در نظر گرفته، از ۴ سال گذشته تاکنون افزایشی نداشته است. در سال ۸۹ مبلغ ۲۰۰ هزار تومان برای خدمات دندانپزشکی و مبلغ ۵۰ هزار تومان برای خرید عینک تعیین شد که با وجود افزایش قیمتها این مبالغ همچنان ثابت مانده است."

### کسری بودجه ۵۰۰۰ میلیاردی آموزش و پرورش

ایسنا - ۱۷ مرداد - وزیر آموزش و پرورش در گردهمایی مشترک معاونان وزیر آموزش و پرورش و مدیران کل آموزش و پرورش استانهای کشور که به میزبانی خراسان رضوی در مشهد برگزار شد، با عنوان اینکه توسعه مشارکتهای در بخشهای مختلف از پنج سیاست اصلی این وزارتخانه است، اظهار کرد: "به عنوان مثال بعضی از مسوولان با توسعه مدارس غیر دولتی موافق نیستند، ولی ما سعی بر این داریم تا چنین نگرشی را تغییر دهیم، چرا که جز توسعه مشارکتهای و به کارگیری بخش خصوصی چاره ای دیگر نداریم." علی اصغرسانی با بیان اینکه آموزش و پرورش در حال حاضر حداقل ۵۰۰۰ میلیارد تومان کسری اعتبارات دارد گفت: "این موضوع نشان می دهد که روش مدیریت در آموزش و پرورش باید تغییر یابد و اگر این مشکلات اصلاح شود، شاهد تعارضات کمتری نیز در این مجموعه خواهیم بود."

### معلم آزاد بودن: آزادی از استخدام، بیمه و دریافت حداقل حقوق

ایلنا، ۱۷ مرداد - پس از انتشار خبری با عنوان "بکارگیری معلمان بدون بیمه و مزد قانونی در مناطق محروم" به نقل از دبیرکل کانون صنفی معلمان که در آن ادعا شده بود آموزش و پرورش در مدارس مناطق محروم و دورافتاده از افرادی برای تکمیل کادر آموزشی استفاده می کند که حداقل معیارهای قانونی مربوط به مزد و بیمه در استخدام شان لحاظ نشده است، یکی از معلمان به تشریح شرایط شغلی خود و همکاریانش پرداخت.

این آموزگار که تحت عنوان شغلی "معلم آزاد" در مدارس ابتدایی منطقه لواسان تهران مشغول به کار است گفت: "امثال من در لیست رسمی کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش ثبت نمی شویم."

وی در تشریح شرایط استخدامی خود و سایر معلمان آزاد می گوید: "در میان این گروه از فرهنگیان از افراد جوان تحصیل کرده جویای کار تا بازنشستگان آموزش و پرورش حضور دارند."

این معلم افزود: "بیشتر ما از طریق دهیاری و یا شورای روستا به مدیران مدارس معرفی می شویم، اما در نهایت حقوق ماهیانه خود که در بهترین حالت مبلغی معادل ۳۰۰ هزار تومان است را از مسوولان دهیاری دریافت می کنیم." وی در تشریح نحوه پرداخت آنچه در پایان هر ماه تحت عنوان مزد به آنها تعلق می گیرد گفت: "به طور معمول پرداخت این مبالغ از طریق صدور یک فقره چک بانکی در وجه یکی از معلمان آزاد انجام می شود و فرد دریافت کننده پس از نقد کردن چک مبالغ آن را میان سایر معلمان تقسیم می کند." این کارگر بخش فرهنگ می گوید: "در این حرفه خبری از بیمه نیست، چرا که نامی از ما در میان کارکنان وزارت آموزش و پرورش ثبت نشده است، اما شرایط اقتصادی ما را واداشته است تا به امید آنکه روزی در آموزش و پرورش استخدام شویم، به این کار ادامه دهیم."

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)  
[www.jong-khabar.com](http://www.jong-khabar.com)

## برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مرداد ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

### ۵۳ حرکت اعتراضی

\*روز چهارشنبه ۱ مرداد، نزدیک به ۶۰۰ راننده خودروهای سنگین برون شهری برای دومین روز متوالی در اعتراض به نحوه رسیدگی قوه قضاییه به شکایت شان از یک شرکت خودروسازی مقابل دبیرخانه این قوه تجمع کردند. به گزارش ایلنا این رانندگان روز سه شنبه نیز ابتدا مقابل دبیرخانه قوه قضاییه و سپس دادسرای کارکنان دولت تجمع کرده بودند.

\*تجمع اعتراضی کارگران در منطقه ویژه پارس جنوبی (عسلویه) که هنوز بابت ۱۴ ماه معوقات مزدی از کارفرمای مقاطعه کار طلبکار هستند، در روز چهارشنبه ۱ مرداد ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، این کارگران در هفته های اخیر دو نوبت در مقابل ساختمان اداره روابط کار منطقه ویژه عسلویه تجمع کردند.

\*تجمع کارگران شرکت فولاد آذربایجان در محل شرکت در روز چهارشنبه ۱ مرداد ادامه پیدا کرد. به گزارش قافلان نیوز، کارگران خواستار رسیدگی به وضعیت فروش این کارخانه عظیم تولید فولاد شدند. فولاد آذربایجان ماه گذشته از طریق مزایده به بانک ملت و بخش خصوصی واگذار شد.

\*روز چهارشنبه ۱ مرداد، تجمع و تحصن بازنشستگان صنعت فولاد استان اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود در مقابل اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی در این استان ادامه پیدا کرد. به گزارش ماین نیوز، بازنشستگان صنعت فولاد در این تجمع از مسوولان اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان خواستار پرداخت مطالبات ۲ ماه گذشته و همچنین برقراری نظم در پرداخت حقوق ماهانه خود شدند.

\*صبح روز شنبه ۴ مرداد، کارگران معدن ذغال سنگ البرز شرقی (واقع در منطقه طرزه استان سمنان) برای پنجمین بار در یک ماه گذشته در اعتراض به بی توجهی مسوولان کشوری به خصوصی سازی این معدن دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه در مقابل ساختمان اداری این معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران از مسوولان خواسته اند تا مانع خصوصی سازی این معدن و واگذاری ۴۲ هکتار از زمینهای این واحد به شهرداری شوند.



\*حدود ۴۰۰ تن از کارگران کارخانه کشتی‌سازی صدرا در جزیره صنعتی بوشهر از صبح روز شنبه ۴ مرداد، با تجمع مقابل کارخانه، درب ورودی جزیره را بستند.

به گزارش مارین نیوز، این کارگران از ابتدای سال جاری تاکنون حقوق خود را از شرکت صدرا دریافت نکرده‌اند. تجمع کنندگان از تردد سایر پرسنل و حتی کارفرمایان به جزیره جلوگیری کردند.

شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) در سال گذشته از قرارگاه خاتم الانبیا سپاه به یک شرکت راه و ساختمانی به نام آبادراهان پارس واگذار شد.

\*جمعی از دانشجویان پزشکی در اعتراض به مخالفت مجلس با اصلاح سهمیه مناطق محروم آزمون ورودی دانشگاهها در مقطع دستیاری و تخصصی در روز شنبه ۴ مرداد، مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، دانشجویان معترض که درخواست ورود به مرحله تخصصی دارند، خواهان رفع محدودیت مجلس با بررسی طرح اصلاح بند ۳ قانون برقراری عدالت آموزشی به صورت عادی هستند، چرا که با عادی بررسی شدن این طرح فرصت دانشجویان پزشکی برای انتخاب رشته و جذب در مرحله تخصصی از بین می‌رود.

\*روز یکشنبه ۵ مرداد کارگران ریسندگی پریس ششمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران همزمان با اعتصاب، در اداره کار شهر سنج دست به طرح دعوی علیه کارفرما نیز زدند. کارگران شرکت ریسندگی پریس از اول سال تا کنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده و عیدی و پاداش سالهای ۹۱ و ۹۲ خود را نیز از کارفرما طلب دارند.

\*کارگران واحد پلیمری (LD) در مجتمع پتروشیمی بندر امام در روز یکشنبه ۵ مرداد در اعتراض به عدم اجرای وعده کارفرما برای پرداخت پاداش به کارگران، اعتصاب کردند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در فروردین سال جاری که تعمیرات آورهای (تعمیرات اساسی ادواری و زمانبندی شده) این واحد پلیمری شروع شد، پیمانکار قول پرداخت پاداش مخصوص آورهای را به کارگران داد تا این واحد بعد از تعمیرات اساسی بتواند به موقع و بدون تاخیر راه اندازی شود. با تلاش کارگران این هدف حاصل گردید و این واحد مهم در موعد مقرر راه اندازی شد، اما کارفرما با گذشت بیش از سه ماه از آن زمان و علیرغم پافشاری کارگران، تنها حدود یک چهارم از مبلغ توافق شده را پرداخت کرده است و نسبت به پرداخت باقی طلب کارگران هیچ اقدامی انجام نداده، که این امر خشم شدید کارگران و اعتراض آنان را موجب شد.

\*کارگران شاغل در فاز ۱ تا ۷ در منطقه ویژه پارس جنوبی (عسلویه) با دریافت حقوق فروردین و اردیبهشت خود در روز یکشنبه ۵ مرداد به حرکت اعتراضی خود پایان دادند.

به گزارش ایلنا، این کارگران از حدود یک ماه پیش خواستار وصول ۱۴ ماه مطالبات معوقه خود بودند.

\*تعدادی از ساکنان روستاهای عشق آباد و نجم آباد در شهرستان ری روز یکشنبه ۵ مرداد به دلیل قطعی چند روز آب این روستاها به بخشرداری قلعه نو از توابع شهرستان ری مراجعه و در آن محل تجمع کردند. به گزارش ایرنا، آب شرب روستای عشق آباد و شهرک زینبیه از روز پنجشنبه ۲ مرداد قطع شد و هیچ مسئولی به سوال و پیگیریهای مردم پاسخ نداد.

وجود انشعابات غیر مجاز و آبیاری برخی از باغات ورودی روستای عشق آباد و شهرک صنعتی موجب قطعی آب شرب منازل روستاییان شده است.

\*جمعی از کارگران نیشکر هفت‌تپه در اعتراض به عدم دریافت یک ماه و نیم حقوق، صبح روز دوشنبه ۶ مرداد دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه مقابل ساختمان امور اداری مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این زمینه یکی از کارگران نیشکر هفت‌تپه گفت: تجمع کنندگان که در بخشهای کشاورزی و صنعتی کارخانه کار می‌کنند خواستار دریافت حقوق خود در ماههای خرداد و تیر هستند.

\*در پی اعتراضات کارگران معدن ذغال سنگ البرز غربی (سنگرود)، تعطیلی این معدن تا پایان سال ۱۳۹۵ منتفی شد. به گزارش روز دوشنبه ۶ مرداد ماین نیوز، بنا به تصمیم وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت فولاد ایران با هدف خصوصی‌سازی در اواخر سال گذشته قرار شده بود تا تاریخ ۳۱ خرداد سال جاری به فعالیت معدن زغال سنگ سنگرود خاتمه داده شود و تمامی ۴۲۵ کارگرش بیکار شوند که با سفر جمعی کارگران و برگزاری تجمع اعتراضی در تهران، آن طرح ناکام ماند.

معدن ذغال سنگ البرز غربی (سنگرود) از شرکتهای تحت پوشش شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران و یکی از شرکتهای اصلی زیر مجموعه سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) است. این شرکت صد در صد دولتی و وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

\*کارگران شرکت سهند آذر کرمانشاه در اعتراض به دریافت نکردن حقوق شان روز یکشنبه ۶ مرداد در محل کارگاه دست به اعتصاب زدند. به گزارش سحام نیوز، کارگران در این تجمع خواستار رسیدگی استاندار به خواسته‌هایشان شدند. کارگران سپس در مقابل دادگستری کرمانشاه تجمع کرده و نماینده کارگران به دادستانی مراجعه کرد. کارفرمای شرکت سهند آذر کرمانشاه، سپاه پاسداران است.

\*اعتراضات کارگران کارخانه کشتی سازی صدرا به عدم پرداخت بیش از چهار ماه حقوقشان در روز یکشنبه ۱۲ مرداد ادامه پیدا کرد و کارگران معترض دو باره ورودی جزیره صدرا را بستند و دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش مارین نیوز، کارگران این واحد تولیدی طی چند روز پیاپی نسبت به تجمع در محل جزیره صنعتی صدرا و بستن ورودی آن اقدام کردند.

\*تعدادی از کارگران قند کامیاران روز یکشنبه ۱۲ مرداد در اعتراض به نبود مواد اولیه برای تولید در محوطه این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، قرارداد کار کارگران قند کامیاران از ابتدای سال جاری یک ماهه بسته می‌شود در حالی که قرارداد کار آنان پیش تر ۵ ماهه یا ۳ ماهه منعقد می‌شد و به همین دلیل، توقف مکرر تولید به نگرانی آنها نسبت به آینده شغلی‌شان دامن زده است.

\*روز یکشنبه ۱۲ مرداد حدود ۴۵۰ کارگر معدن همکار، دست از کار کشیده و با تجمع در مقابل ساختمان اداری این معدن خواهان رسیدگی هر چه سریعتر به مشکلات خود شدند. به گزارش عارف، مدتهاست که کارگران معدن زغال سنگ همکار - که در فاصله ۲۵ کیلومتری شهرستان کوهبنان واقع شده است - به علت پرداخت نشدن به موقع حقوق و پاداشهای مقرر شده از سوی روسای این معدن دست به اعتصابهای زیادی زدند.

\*بیش از ۳۵۰۰ تن از کارگران شرکت ریسندگی، بافندگی و نساجی کاشان از سال ۸۲ تاکنون در مجموع ۴۵ میلیارد تومان بابت حق سنوات و حقوق معوقه از این شرکت طلب دارند. به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران بازنشسته شرکت ریسندگی، بافندگی و نساجی کاشان روز دوشنبه ۱۳ مرداد، به منظور پیگیری دریافت حقوق معوقه و حق سنوات خود مقابل دفتر نماینده شهرستانهای کاشان و آران و بیدگل در مجلس رژیم تجمع کردند.

\*روز یکشنبه ۱۲ مرداد، کارگران کارخانه کاشی کویر یزد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایایشان دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه تجمع کردند.  
به گزارش یزد رسا، یکی از کارگران این کارخانه دلیل اعتصاب کارگران را عدم پرداخت حقوق و مزایای کارگران عنوان کرد.

\*صبح روز سه شنبه ۱۴ مرداد، جمعی از پذیرفته شدگان در آزمون استخدامی سال ۱۳۹۱ که همچنان در بلا تکلیفی بسر می‌برند و هنوز جذب نشده‌اند، برای سومین بار در اعتراض به وضعیت خود از شهرهای مختلف استان مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش خوز نیوز، یکی از افرادی که مقابل استانداری ایستاده‌اند است که کودکش را در منزل گذاشته و خواستار پیگیری وضعیت استخدام خود است.

\*به گزارش آران مغان، ساکنان مسکن مهر پارس آباد در روز سه شنبه ۱۴ مرداد با حضور در جلوی درب فرمانداری به افزایش قیمت مسکن مهر این شهرستان اعتراض کردند.  
یکی از معترضان حاضر در این تجمع گفت: دیگر از انتظار و هزینه نمودن برای واحدها خسته شده ایم، برای ما که دارایی چندانی نداریم و کسب درآمد مان اندک است، پرداخت افزایش قیمت‌ها بسیار سخت است.

\*به گزارش یزد رسا، روز چهارشنبه ۱۵ مرداد، رانندگان معدن چادر ملو با تجمع در این معدن اعتراض خود را در خصوص نرخ کرایه‌ها و دستمزد خود اعلام کردند.

\*به گزارش ایلنا، روز شنبه ۱۸ مرداد کارگران شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس کردستان در اعتراض به تأیید حکم بیکاری همکاران خود در مقابل ساختمان مجلس رژیم در تهران دست به تجمع زدند.  
این کارگران ابتدا در مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کرده که پس از بی نتیجه ماندن این تجمع، به بهارستان رفتند و در مقابل ساختمان خالی مجلس تجمع کردند.  
روز یکشنبه ۱۹ مرداد تجمع کارگران فولاد زاگرس برای دومین روز متوالی در مقابل مجلس رژیم برگزار شد.

\*روز شنبه ۱۸ مرداد کارگران نساجی کاشان مطابق با قرار قبلی در بیت العباس کاشان و با حضور نماینده مجلس از کاشان اقدام به تجمع اعتراضی کردند.  
به گزارش ایلنا، در این گردهمایی که با حضور کارگران و شماری از خانواده‌های کارگران متوفی که چک‌هایی از سال ۱۳۸۰ در دست داشتند، تشکیل شده بود قرار شد تا با تشکیل کمیته ۶ نفره به پی‌گیری و دستیابی مطالبات معوقه کارگران این نساجی سرعت بخشیده شود.

\*پذیرفته شدگان آزمون استخدامی شرکت نفت در اعتراض به عدم اعلام نتایج نهایی آزمون استخدامی این شرکت روز یکشنبه ۱۹ مرداد در مقابل مجلس دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا؛ معترضان در این تجمع علاوه بر رسیدگی به پرونده آزمون استخدامی خود خواستار ملاقات با رئیس مجلس و کمیسیون انرژی شدند.  
جمعی از کارگران کارخانه تبریز کف برای چندمین بار در طول یکسال گذشته در روز سه شنبه ۲۱ مرداد در مقابل فرمانداری مرنند تجمع کردند  
به گزارش ایسنا، کارگران در این تجمع خواستار احقاق حقوق خود شدند. آنها گفتند؛ ما نیز می‌دانیم که تعطیلی کارخانه دردی را دوا نخواهد کرد، اما به هر شکل ممکن، از مسئولان می‌خواهیم فکری برای وضعیت معیشتی ما کنند

\*روز چهارشنبه ۲۲ مرداد جمعی از داوطلبان کارشناسی ارشد علوم پزشکی برای سومین بار در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش انتخاب، این جمع از داوطلبان کارشناسی ارشد علوم پزشکی با تجمع در مقابل ساختمان وزارت بهداشت رژیم به کاهش ظرفیت پنجاه درصدی رشته های علوم پزشکی اعتراض نمودند.

\*روز چهارشنبه ۲۲ مرداد تعدادی از نگهبانان پایانه های مسافربری غرب، جنوب و بیهقی در اعتراض به تصمیم سازمان پایانه های مسافر شهرداری مبنی بر واگذاری امور نگهبانی به بخش پیمانکاری و اخراج آنها مقابل شهرداری تهران واقع در خیابان بهشت در ضلع جنوبی پارک شهر در وسط خیابان بست نشستند و این خیابان را مسدود کردند. به گزارش ایلنا، با واگذاری امور به شرکت پیمانکاری «امین حافظ تهران» ۱۵۰ تن از نگهبانان پایانه که هر یک دارای ۱۵ تا بیش از ۲۳ سال سابقه خدمت هستند، از کار بیکار شدند.

\*کارگران کارخانه پروفیل صفا واقع در شهرستان ساوه در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۴ ماه حق بیمه و دو ماه حقوق خود، روز پنجشنبه ۲۳ مرداد در مقابل سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، تجمع کنندگان خواستار تمدید اعتبار دفترچه های بیمه خود شدند.

\*به گزارش روز پنجشنبه ۲۳ مرداد قائم آنلاین، چند روز پیش کارگران کارخانه نساجی قائم شهر تجمع اعتراضی در فرمانداری برپا داشتند و خواهان حقوق از دست رفته خود شدند.

با رکود اقتصادی و افزایش تورم و ورشکستگی بخشهای مختلف صنعتی و تعطیلی کارخانه ها، کارخانه نساجی نیز با مشکلات بسیاری مواجه شد.

این کارخانه در سکوت تلخ خفته ماند و تنها خاطره اش در ذهن ها باقی ماند؛ کارخانه ای که بسیاری از اراضی آن در بخش مرکزی شهر واقع شده و مدیران با تصمیم گیریهای نادرست خود تیشه به ریشه آن زدند.

\*روز شنبه ۲۵ مرداد، کارگران پروژه در حال ساخت بیمارستان تأمین اجتماعی بیرجند در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوقشان اقدام به تجمع کردند. به گزارش خراسان؛ سر و صدای کارگران که بیشترشان جوان هستند دقیقه ای کم نمی شود. یک زن در حالی که اشک می ریزد، وسط جمعیت با صدای بلند می گوید: «من و همسرم از پیمانکاران یک شرکت مجری پروژه ساخت بیمارستان تأمین اجتماعی بیرجند هستیم. ۴ ماه است یک ریال حقوق نگرفتیم و من در این مدت با این که ماههای آخر بارداری ام است به دلیل بی پولی حتی یک بار به پزشک مراجعه نکردم. صاحب سه فرزند هستیم و هر ماه باید اجاره خانه بدهیم. با این شرایط چرا هیچ کس جوابگوی ما نیست؟ نمی توانیم حق خود را بگیریم.

\*روز دوشنبه ۲۷ مرداد، در آستانه سفرحسن روحانی به استان اردبیل جمع کثیری از کارگران اخراج شده ذوب آهن اردبیل با برپایی تجمع اعتراض آمیز خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. به گزارش فارس، این تجمع در جلوی ساختمان استانداری اردبیل برگزار شد. کارگران اخراج شده ذوب آهن اردبیل بیش از دو ماه است در وضعیت نابسامان و به هم ریخته به سر می برند.

\*روز سه شنبه ۲۸ مرداد، جمعی از کارگران گروه صنایع سیمان کرمان با ارسال نامه ای خواستار اجرای طرح ۷۳۰۰ روز کاری در مشاغل سخت و زیان آور در مورد کارگران سیمان کرمان از سوی سازمان تأمین اجتماعی شدند.

به گزارش ایلنا، در نامه کارگران سیمان کرمان آمده است: ما کارگران سیمان کرمان می‌خواهیم که صدایمان را به گوش رئیس و سایر نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسانید که چرا سازمان تامین اجتماعی از اجرای مصوبه طرح ۷۳۰۰ روز کاری در مشاغل سخت و زیان آور اجتناب می‌کند.

\*روز شنبه ۱۸ مرداد حدود ۵۰۰ تن از کارگران نیشکر هفت تپه برای دومین بار در ماه جاری در اعتراض به عدم دریافت یک ماه و نیم حقوق دست از کار کشیده و در مقابل ساختمان امور اداری این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان که در بخشهای کشاورزی، مهندسی، تعمیر و نگهداری، مطالعات نیشکر، حسابداری و امور اداری و... کار می‌کنند خواستار دریافت حقوق معوقه ماههای خرداد و تیر هستند. تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نی شکر هفت تپه روز چهارشنبه ۲۲ مرداد وارد سومین روز خود شد. اعتصاب کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه در روز دوشنبه ۲۷ مرداد، دوازدهمین روز را پشت سر گذاشت و در روز سه شنبه ۲۸ مرداد، بعد از پرداخت حقوق تیر ماه، کارگران و کارکنان نیشکر هفت تپه به سرکار خود بازگشتند.

\*کارگران معدن سنگ آهن بافق از عصر روز سه شنبه ۲۸ مرداد در اعتراض به بازداشت ۲ تن از همکاران شان و تلاش برای بازداشت ۱۶ کارگر دیگر دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران که نخواست نامش فاش شود، گفت: حدود ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق در



اعتراض به بازداشت «امیرحسین کارگران» و «علی صبری» از کارگران این معدن دست از کار کشیده و تولید را متوقف کردند.

گفته می‌شود کارفرما در پی اعتراض پیشین کارگران که ۳۹ روز طول کشید - ۲۷ اردیبهشت تا ۴ تیر - از این ۱۸ کارگر شکایت کرده است.

در پی تحصن کارگران معدن سنگ آهن بافق، ماموران سرکوبگر یگان ویژه پلیس از عصر روز چهارشنبه ۲۹ مرداد در معدن مستقر شده‌اند. یک کارگر معدن بافق در این باره به ایلنا گفت: پلیس به قصد متفرق کردن تحصن کنندگان و بازداشت ۱۶ کارگری که پس از اطلاع از صدور حکم بازداشت شان به معدن پناه آورده بودند، در معدن مستقر شده است.

در همین رابطه، «محمد عباسی بافقی» سخنگوی شورای شهرستان بافق ضمن تایید خبر استقرار ماموران یگان ویژه پلیس در معدن سنگ آهن بافق گفت: ما امیدوار بودیم صدای اعتراض کارگران شنیده و به مطالبات شان رسیدگی شود،

اما در اقدامی تحریک آمیز نیروهای ضد شورش در معدن مستقر شده‌اند.

کارگران این معدن به شیوه اجرای برنامه های خصوصی سازی این واحد اقتصادی اعتراض دارند.

به گزارش یزد رسا، یگان ویژه که از عصر روز چهارشنبه با ورود به سنگ آهن چغارت بافق با هدف دستگیری چند تن از کارگران معترض به نحوه واگذاری شرکت سنگ آهن مرکزی اقدام به متفرق نمودن کارگران متحصن نموده بود به اهداف خود نرسید.

روز جمعه ۳۱ مرداد ایلنا گزارش داد

که؛ از عصر روز پنجشنبه تاکنون هیچ یک از عوامل نیروی انتظامی در معدن بافق حضور ندارند و حسب شنیده ها تمامی افراد یگان ویژه نیروی انتظامی در مکانی خارج از معدن مستقر شده اند.

همراه با کارگران، خانواده های کارگران بازداشتی در مقابل دفتر کارفرما و فرمانداری تحصن کردند.



Photo:ilna

Iranian Labour News Agency



Iranian Labour News Agency

## زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

### تدوین و اجرای سیاستهای علمی و عملی زیست محیطی نیازمند مشارکت زنان است

شبکه خبری زنان، ۴ آگوست - بر اساس گزارش رییس سابق اداره محیط زیست فنلاند، تغییرات ناهنگام و سریع آب و هوایی، بدون مشارکت زنان در تدوین و اجرای سیاستهای علمی و عملی زیست محیطی، باعث افزایش تضاد جنسیتی می شود. رویکرد زیست محیطی در قانون گذاری و سیاستهای جدید جهت پیشرفت فعالیت مسوولانه مردان و به ویژه زنان، موضوعی حیاتی از نظر ملی و بین المللی است. مشارکت جدی زنان در اصلاح و اجرای سیاستهای زیست محیطی به دلیل تفاوت تاثیرات زیست محیطی بر روی دو جنس زن و مرد، الزامی و مهم است. تغییرات سریع آب و هوایی و معضلات زیست محیطی در صورت عدم اتخاذ رویکردی قاطع و قابل اجرا، زمینه ژرفش تضاد جنسیتی را فراهم می سازد، زیرا تولید هفتاد درصد از کالاها و محصولات غذایی اولیه در کشورهای در حال توسعه توسط زنان انجام می پذیرد.

سازمان کشاورزی و مواد غذایی سازمان ملل تاکید می کند در صورتی که زنان به امکانات تولیدی برابر با مردان دست یابند، تولید و فرآوری مواد غذایی بیست تا سی درصد افزایش خواهد یافت. کاهش وخامت وضعیت محیط زیست نیازمند اصلاح صنعت کشاورزی، مناطق ساحلی و سیستم آبرسانی است. آب آشامیدنی سالم در بیشتر کشورهای در حال توسعه توسط زنان و دختران جوان تهیه می گردد. اصلاح صنعت کشاورزی به موازات اجرای طرح مدیریتی مناسب که جنگلها و مناطق سبز را برابر تغییرات سریع آب و هوایی مقاوم سازد، دسترسی به انرژی زیست محیطی را هموار و تسهیل می سازد. اکثریت کارورزان مراکز سرویس دهی، مدارس، مهد کودکها، خانه سالمندان، بیمارستانها و مغازه ها که برای ادامه فعالیت به انرژی قابل توجهی نیازمندند، زن هستند. نمونه های مزبور، اهمیت مشارکت مدیریتی زنان در تعیین سیاستهای زیست محیطی را آشکار می سازد. طرحی که یکسال پیش، مبنی بر تقویت مشارکت زنان در روند حفظ و ثبات محیط زیست به سازمان ملل پیشنهاد گردید، تا بحال جو مثبتی هر چند ضعیف در این رابطه ایجاد نموده است. طرح مزبور بر اصل "برابری جنسیتی" در تعیین اصول و تصویب قوانین زیست محیطی تاکید می ورزد.

### کار پنهان زنان در کشور هند

نیودهلی نیوز، ۱۷ ژوئیه - میلیونها زن هندی به کار خانگی مشغولند که فعالیت شان به مثابه کار در نظر گرفته نمی شود. بر اساس گزارش مراجع قانونی کشور هند، ۱۶۰ میلیون زن، یعنی ۸۸ درصد از زنانی که بین سن ۱۵ تا ۵۹ کار می کنند، به "کارخانگی" بی مزد مبادرت می ورزند. عدم توازن در شرایط کاری این نیروی عظیم، نه تنها ساختار اقتصادی، بلکه ساختار اجتماعی جامعه هند را نیز تحت تاثیرات مخرب خود قرار داده و درک زنان از توانمندیها و ارزش نیروی تولیدی خویش را خلل پذیر و تباه ساخته است. در کشور بیش از یک میلیارد جمعیتی هند، اکثریت زنان دارای نقشی محوری در خانه هستند و نیروی کار خود را بدون دریافت دستمزد و حمایت دولتی صرف رسیدگی به امور دیگر اعضای خانواده می نمایند. از نظر تضاد جنسیتی در جهان در سال ۲۰۱۳، هند بین ۱۳۰ کشور جهان، رتبه صد و دهمین را از آن خود ساخت. این در حالیست که مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی تاثیرات قابل توجهی بر کاهش معضلات اجتماعی نظیر فقر و بیسوادی دارد. تضاد جنسیتی در کشور هند در تمام حوزه های بهداشتی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی به روشنی هویداست. بیسوادی زنان که بیش از نیمی از جمعیت هند را در بر می گیرند، نزدیک به ۸۵ درصد است. این میزان برای مردان، کمتر از ۶۵ درصد است. سازمان کار جهانی، کار خانگی زنان هندی را به دلیل عدم رعایت مصوبات قانونی کار، "کار پنهان" می نامد. بر پایه گزارش سازمان جهانی کار، ۸۳٫۳ درصد از زنان آسیای جنوبی در حوزه هایی موسوم به "اشتغال آسیب پذیر" به معنای نیروی کار غیرجدی، پنهان و پراکنده مانند کارگاههای نساجی و دیگر صنایع دستی که غالباً در مکانهای مسکونی دایر است، فعالیت دارند.

میزان قابل توجه ای از کارگران زن مزبور را زنان هندی تشکیل می دهند که در بیست سال اخیر شمار آنها با رشد فزاینده ای روبرو بوده است. در سالهای اخیر میزان مشارکت زنان در حوزه های شغلی غیر رسمی و بی قاعده افزایش یافته و در مقابل، در حوزه های شغلی امن، رسمی و تایید شده راکد باقی مانده است.

کشور هند فاصله زیادی با استانداردهای جهانی پیرامون فعالیت زنان در حوزه های مدیریتی دارد. تنها ۲ تا ۳ درصد از زنان هندی در بخشهای مدیریتی کل حوزه های تولیدی کشور فعالیت دارند. به گزارش مرکز تحقیقات اجتماعی کشور هند، باوجود تضاد جنسیتی بارز در نیروی کار، کمتر از پنج درصد از زنان هندی در حوزه های مدیریتی مهم فعالیت می کنند و تنها پنجاه درصد از زنان دارای مدرک دانشگاهی در رشته های گوناگون اقتصادی و تجارت، به عرصه نیروی کار کشور راه می یابند. گزارش مزبور می افزاید، دولت هند توجهی به ژرفش تضاد جنسیتی در کشور هند ندارد.

بر طبق تحقیقات راهنمای مدیریتی زنان در جهان در سال ۲۰۱۳، ۴۸ درصد از نیروی کار جهان در بخشهای دولتی را زنان تشکیل می دهند، ولی سهم آنان از مدیریت بخشهای مزبور، کمتر از ۲۰ درصد است. به عنوان مثال، زنان بیش از نیمی از نیروی کار کشور آلمان را به خود اختصاص داده اند، اما تنها ۱۵ درصد از آنان در بخشهای مدیریتی فعالیت می کنند. در کشور ژاپن، سومین غول اقتصادی جهان، بیش از ۴۲ درصد از نیروی کار بخشهای دولتی به زنان تعلق دارد، این در حالیست که تنها ۳ درصد از آنان مدیریت مراکز تولیدی مزبور را به عهده دارند. در روسیه، زنان ۷۱ درصد از نیروی کار بخشهای دولتی را تشکیل می دهند، ولی فقط ۱۳ درصد از این میزان، نقش مدیریتی دارد. کشور هند در قسمت انتهایی لیست کشورهای جهان قرار دارد، فقط ۷،۷ درصد مدیران بخشهای دولتی این کشور، زن هستند.

### لایحه ضد کارگری کاهش ساعت کاری زنان

ایلنا، ۲۱ مرداد - اشرف بنایی، فعال حقوق صنفی کارگران پیرامون لایحه کاهش ساعت کاری زنان می گوید، هر چند لایحه مزبور سعی در کمک به وضعیت رفاهی خانواده ها دارد، ولی با نگاهی کاملاً مردانه تدوین شده است. وی ادامه می دهد که قانون افزایش مرخصی زایمان، خود به تنهایی عاملی برای کاهش استخدام زنان جوان از سوی کارفرما بود که لایحه کاهش ساعات کاری زنان نیز در صورت تصویب به آن اضافه می شود. بنایی با اشاره به اجرای این لایحه تنها برای زنان دارای فرزند می افزاید، اگر نیت افزایش رفاه خانواده هاست و قرار نیست بر وضعیت اشتغال زنان تاثیری منفی گذاشته شود، لایحه ای هم برای مردان دارای فرزند و همسر بیمار و معلول تدوین شود. به نظر می رسد که نگاه قانونگذار در این لایحه کاملاً مردانه بوده و شاید هم زنان قانونگذار در آن تاثیر و دخالتی نداشته اند، در حالی که بهتر است در وضع قوانین، زنان و مردان قانونگذار با یکدیگر همکاری داشته باشند.

### ایستادگی و رویارویی دلیرانه زنان کرد در برابر "داعش"

رویتر/ خبرگزاری آلمان - تهاجم نیروی ارتجاعی و تروریستی دولت اسلامی موسوم به "داعش"، به روستاها و مناطق استان کردستان عراق و شهر "موصل" و شهر کوچک کرد نشین "کوبانی" در شمال شرقی سوریه و قتل عام وحشیانه تعداد بیشماری از مردان، تجاوز به زنان و دختران و آواره کردن ایزدیان ساکن شهر "سنجار"، سبب شده تا تعداد بیشماری از زنان گُرد دوشادوش مردان سلاح به دست بگیرند و علیه تجاوز فجیع و ددمنشانه ایستادگی کنند.

به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۴ مرداد ۱۳۹۳، زنان شهر کوبانی با تشکیل "یگانهای مدافع زنان" متشکل از دختران و زنان بالای هیجده سال، در صف مقدم پیکار علیه بنیادگرایان افراطی هستند. مقررات و ضوابط شهر کوبانی که ازدواج دختران زیر سن هیجده سال را ممنوع و حتی از افراد زیر سن مزبور به عنوان سرباز استفاده نمی کند، نشان از احترام و رعایت حقوق انسانها به ویژه زنان در کوبانی دارد. قوانین مزبور در صورت تسخیر شهر توسط بنیادگرایان مذهبی داعش که هیچگونه حرمتی برای شان انسانها قایل نیستند، به بدترین شکل ممکن لگدمال و کوبانی به مسلخی برای زنان بدل می گردد. وضعیت و شرایط در مناطق شمال عراق به ویژه روستاهای اطراف کوهستان سنجان نیز به همین منوال است. خبرگزاری رویترز روز جمعه (۱۵ اوت/ ۲۴ مرداد) به نقل از دو مقام رسمی کرد و یک وکیل اقلیت ایزدی عراق از



"قتل عام" ۸۰ تن از پیروان این آیین در روستایی در اطراف کوهستان سنجار در شمال عراق توسط گروه تروریستی "دولت اسلامی" (داعش سابق) خبر داد. یک وکیل ایزدی و یکی دیگر از مقامهای ارشد کرد عراق نیز گفتند، کشتار رخ داده و آنها زنان و کودکان را به اسارت بردند. خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از ایزدیان عراق خبری مشابه را منتشر و اعلام کرد، نیروهای "دولت اسلامی" حتی نوزادان را نیز با خود برده اند. گفته می شود که داعش بعد از قتل مردان به ضرب گلوله یا جدا نمودن سر از بدن، زنان و دختران را به "تلعفر" واقع در استان نینوا یا شهر موصل می برد، مورد تجاوز جنسی قرار می دهد و برخی را به قاچاقچیان مافیای بهره کشی جنسی می فروشد.

به گزارش خبرگزاری آلمان و رویتر، ۲۴ مرداد ماه، شبه نظامیان "دولت اسلامی" دستکم ۵۰۰ نفر از اعضای اقلیت ایزدی عراق را در طول حملات خود به شمال کشور کشته اند. "محمد شیا السودانی"، وزیر حقوق بشر عراق می گوید، این شبه نظامیان برخی از قربانیان خود، از جمله زنان و کودکان را زنده دفن کرده و حدود ۳۰۰ تن از زنان را به عنوان برده به اسارت گرفته اند. سازمان حقوق بشری "عفو بین الملل" اعلام کرده است، هزاران تن از پیروان آیین ایزدی از ۳ اوت تاکنون که حمله به روستاهایشان آغاز شد، توسط نیروهای "دولت اسلامی" به قتل رسیده یا به اسارت گرفته شده اند. قتل عام اقوام کرد و غیرمسلمان، اجبار به رعایت قوانین قرون وسطایی، جهاد نکاح، ازدواج با کودکان و دایر نمودن بازار فروش زنان از یک نسل کشی توسط بنیادگرایان درنده خویی خبر می دهد که تحقیر و خوار شمردن زنان به هر شیوه را در دستور کار قرار داده است.

زنان گرد، پیشمرگه و زنان فعال در "حزب کارگران کردستان" و ... در شرایط بغرنجی پای در میدان مبارزه علیه مرتجعانی گذاشته اند که به واسطه ایدیولوژی و نگرش بی اندازه غیرانسانی و جنسیتی خود، هر گونه عملکرد ناشایست و جنایتی را بر زنان روا می دارند. جنایت پیشگان داعش، نقض ابتدایی ترین حقوق بشر را رسالت الهی به شمار می آورند و تا کنون از هیچگونه حرکت تنفر انگیزی در راستای هتک حرمت زنان دریغ نورزیده اند. نبرد زنان گرد دوشادوش مردان علیه نیروی تروریستی داعش، یکی از نموده های بارز توانایی زنان در تمام عرصه های اجتماعی حتی در میدان کارزار به شمار می آید. جنبش زنان و دستاوردهای آن، مجموعه بهم پیوسته ای است که دست درازی به هر بخش آن از سوی هر گروه و جریانی، حمله به کل مجموعه محسوب می شود. این مهم، حمایت از پایداری و ایستادگی شجاعانه زنان گرد در برابر داعش به مثابه همزاد کریمه منظر نظام زن ستیز جمهوری اسلامی، از سوی جنبش انقلابی زنان امری ضروری و حیاتی به شمار می آید.

### بنگلادش: جهیزیه و قتل بیرحمانه زنان

سایت خبری زنان، ۲۹ آگوست - سنت پرداخت جهیزیه به داماد و خانواده وی از سوی خانواده دختر یا عروس، در کشور بنگلادش و دیگر کشورهایی که از این آداب و رسوم پیروی می کنند، پدیده جدیدی نیست. اما، آزار و اذیت، شکنجه و قتل زنان جوان به این دلیل در حال افزایش است.

بیانیه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، همگان را از اعمال هرگونه خشونت منشعب از تبعیض جنسیتی که موجب آزار و اذیت فیزیکی، روحی، جنسی شامل تهدید، اجبار یا حرکت های مستبدانه در مسیر لگدمال کردن آزادی و استقلال زنان چه در زندگی اجتماعی یا خصوصی ایشان باشد، نهی می کند. در دوره شش ماهه سال ۲۰۱۳، ۲۵۵ زن بنگلادشی به دلیل مناقشات خانوادگی پیرامون جهیزیه مورد آزار قرار گرفته اند که تعداد قابل توجهی از آنان به گزارش مرکز خبرنگاران کشور، جان خود را از دست داده اند. این آمار مبین افزایش میزان قتل زنان به دلیل مجادلات بر سر پرداخت جهیزیه توسط همسرانشان می باشد. ۱۶۳ زن از شمار مذکور توسط همسرانشان مورد شکنجه قرار گرفته اند، ۸۶ نفر به قتل رسیده و مابقی تحت فشارهای روحی - روانی اقدام به خودکشی نموده اند.

پرداخت جهیزیه از سوی خانواده عروس به داماد، برخاسته از آداب و رسوم مذهبی قبل از فرهنگ یونان، ژاپن، ایتالیا و چین و امروزه، بین جمعیت مسلمانان و هندوی جهان رواج دارد.



آمارهای رسمی آشکار می‌سازد که ۸۸ درصد زنان مسلمانی که به تازگی در "داکا"، پایتخت کشور بنگلادش، ازدواج کرده‌اند، بدون دریافت مهریه تحت فشار داماد و خانواده وی، به دلیل نداشتن جهیزیه کافی قرار دارند.

زنان در بنگلادش قربانی نموده‌های بارز اعمال تبعیض جنسیتی و فرهنگ زن ستیز هستند. پیشگیری و تضعیف آزار و اذیت‌های فیزیکی، روحی- روانی و قتل زنان به سبب کشمکش خانوادگی بر سر پرداخت

جهیزیه، با تامین و تضمین برابری جنسیتی، تصویب قوانین مناسب و ترویج و تبلیغ جهت ارتقا فرهنگی جامعه ممکن است.

### درگیری کارگران صنعت نساجی با نیروی ضد شورش بنگلادش

خبرگزاری الجزیره، ۸ آگوست - هزاران نفر از کارگران زن نساجی بنگلادش با پرتاب سنگ به رویارویی با نیروی سرکوبی دولت بنگلادش که برای کنترل و سرکوب صدای اعتراضی کارگران به خیابانها گسیل شده بودند، شتافتند.

رییس پلیس امنیتی کشور ابراز داشت که بیش از دویست کارخانه صنعت نساجی در دومین روز اعتراض کارگران، تعطیل و در درگیری بین کارگران با ماموران، هشتاد نفر زخمی گشتند. پلیس به دلیل مقاومت کارگران، مجبور به اعزام نیروهای گارد ضد شورش به خیابانها گردید. یگان ضد شورش با پرتاب گاز اشک آور به کارگرانی که در هماهنگی با اتحادیه کارگری علیه دستمزد پایین اعتصاب غذا کرده بودند، حمله کرد. صدها هزار زن کارگر در دهمین روز اعتصاب غذا با تهاجم نیروهای امنیتی و ضد شورش روبرو گشتند و بعد از درگیری متفرق شدند. بنگلادش دومین صنعت نساجی در جهان را داراست و تامین کننده کالای بسیاری از شرکتهای بزرگ نظیر "H&M"، "Walmart" و ... است. شرایط کاری چهار میلیون از کارخانجات نساجی سراسر کشور بارها به شدت کشنده و وخیم اعلام شده است. در سالهای اخیر، اتحادیه های کارگران صنعت نساجی به گردهماییها، اعتصابات و راهپیمایی علیه نقض حقوق کارگران اقدام ورزیده اند که اکثرا با حمله نیروی سرکوبی با درگیری بین کارگران و پلیس پایان پذیرفته است. دولت با وجود تداوم اعتراض کارگران کارخانجات صنعت نساجی سراسر کشور، به اصلاح و رسیدگی به خواستههای وضعیت کارگران اهمیتی نمی دهد.

### ترکیه: تبعیض جنسیتی در حوزه استخدام زنان

اسوشیتدپرس، ۲۶ ژوئیه - خبرنگاران ترکیه ای از کاهش کیفیت امکانات شغلی زنان کارگر علیرغم افزایش میزان مشارکت شان در نیروی کار کشور ترکیه خبر می دهند.

اکثریت زنان کارگر در حوزه هایی به کار مشغولند که کارفرمایان جهت استخدام آنان هیچگونه صلاحیت، امتیاز یا مهارتی مطالبه نمی کنند اما در عوض، کارگران را از هرگونه تشویق و مزایا و دستمزد دوران بارداری، بیماری و یا بازنشستگی بی نصیب می سازند. آمار رسمی ماه مارس سال ۲۰۱۴ آشکار می سازد که اسامی ۴۹ درصد از زنانی که بیرون از خانه کار می کنند، به عنوان افراد شاغل در اسناد دولتی به ثبت نرسیده است. بیش از ۲۰۰ هزار نفر از این شمار در شرکتهای و کارگاههای بسیار کوچک تجاری و کشاورزی و نزدیک به ۹۵۵ هزار نفر به صورت مخفی، بدون پرداخت مالیات و دریافت مزایای کارگری کار می کنند. ۶۶۳ هزار نفر نیز کارفرمای خویشند و در موسسه یا شرکت شان مشغول به فعالیتند.

۷۱ درصد از زنان ترکیه از شرکت در نیروی کار کشور محرومند و هیاهو پیرامون تشویق و تسهیلات جهت رشد میزان شرکت زنان در صنعت داد و ستد، یک فریب و ریا بیشتر نیست و در اصل قصد بی هنجار و بی قاعده سازی فعالیت‌های تولیدی - خدماتی زنان و استثمار هر چه بیشتر نیروی کار آنان را دارد.

هر آماری مبنی بر رشد مشارکت زنان در نیروی کار بدون تجزیه و تجزیه تحلیلی ژرف در رابطه با ماهیت اصلی فعالیتی که توسط کارگران انجام می پذیرد، بی فایده و بیهوده است. به عنوان مثال، در دوران بحران ساختاری اقتصادی جهانی سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، بکارگیری نیروی کار زنان به صورت نیمه وقت در بازار ترکیه نزدیک به پنج برابر گردید. در مقابل، تقویت سیاستهای ضد کارگری، عدم پرداخت و کاهش دستمزدها، کاهش یا حذف دسترسی به مزایا و حقوق کارگری و حمله به سازمانها و اتحادیه های کارگری، همگی در راستای حمله به دستاوردهای جنبش کارگری در دستور کار قرار گرفت.

بطور کلی، سیستم تامین اجتماعی در کشور ترکیه بر پایه تقسیم جنسیتی طرح ریزی شده که نقش زنان کارگر را در بازار کار تضعیف می کند. مردان به عنوان تنها نان آور خانواده به رسمیت شناخته شده اند و مسوولیت تامین نیازهای اقتصادی زنان به همسران یا دیگر اعضای خانواده ایشان واگذار گردیده است.

## اخبار کارورزان پرستاری

امید برهانی

### ادامه طرح تحول، نظام سلامت را به بن بست می کشاند

سلامت نیوز، ۶ مرداد - حدود دو ماه از آغاز اجرای طرح تحول نظام سلامت در بیمارستانهای دولتی کشور گذشته است. طرحی که بنا دارد با کاهش میزان پرداختی از جیب مردم در بیمارستانهای دولتی، باعث بهبود ارائه خدمت و افزایش رضایت مردم در حوزه خدمات سلامت شود و البته برای رسیدن به این هدف، چندین میلیارد تومان از سوی وزارت بهداشت هزینه در نظر گرفته شده است.

در طول دو ماهه اخیر، اظهار نظرهایی توسط برخی از کارشناسان و مسوولان در خصوص ایده اصلی و همچنین تبعات اجرای این طرح صورت گرفته است که در زیر به آنها اشاره خواهد شد:

- عدم نزدیکی به عدالت با اجرای آن: نحوه توزیع منابع در این طرح به صورتی است که نه تنها به عدالت در ارائه خدمت نزدیک نیست، بلکه الزامات پرداخت عادلانه به ارائه دهندگان خدمت (پرستاران و کادر درمان) نیز در آن دیده نشده است. همچنین دکتر مسعود پزشکیان، وزیر اسبق بهداشت معتقد است، از آنجایی که در این طرح به سطح بندی و اولویت قرار دادن مناطق محروم و حاشیه نشینها توجه چندانی نشده است، می توان گفت طرح تحول در سلامت در این بعد نیز نتوانسته نظام سلامت را به عدالت نزدیک کند.

- افزایش مصرف و القای هزینه اضافی به سیستم بهداشت و درمان (تقاضای القایی): در بسیاری از نظامهای سلامت، تقاضای القایی یکی از چالشهای اساسی و از دلایل هدر رفت منابع عمومی و فقیر شدن مردم محسوب می شود. کارشناسان معتقدند آنچه امروز در دل طرح تحول نظام سلامت ایران در جریان است، جهت دادن بازار درمان به سوی خدمات تخصصی و فوق تخصصی است و با روال موجود، هزینه های زیادی به سیستم سلامت وارد خواهد شد.

یک استاد داروسازی بالینی در این باره می گوید: "به عنوان متخصصین داروسازی بالینی نگرانیهای خیلی بزرگی در خصوص طرح تحول نظام سلامت داریم. چرا که این طرح در واقع باعث افزایش مصرف شده است، هم در حوزه تجهیزات و هم در حوزه دارو. این روند باعث شده است تا بازار استفاده از محصولات دارویی خارجی به نفع کمپانیهای خارجی مشخصی جهت داده شود و این امر نهایتاً به ضرر مردم خواهد بود."

وی همچنین، در مورد ادامه یافتن طرح تحول با روال موجود هشدار داده است و گفته است که ادامه این طرح در شرایط فعلی باعث می شود نظام سلامت ایران در شش ماه آینده با بن بست مواجه شود. رییس شورای عالی نظام پرستاری نیز می گوید: "افزایش درخواستهای القایی و سفارش آزمایشها و سایر فرآیندهای کلینیکی و پاراکلینیکی بدون توجیه علمی، از پیامدهای اجرای این طرح است."

## عملکرد وزارت بهداشت در نظرسنجی پرستاران

خبرگزاری مهر، ۱۴ مرداد - عضو شورای عالی نظام پرستاری با اشاره به نظرسنجی که از عملکرد وزارت بهداشت در حوزه پرستاری انجام شده است، از نارضایتی ۹۸ درصدی پرستاران کشور خبر داد.

محمد شریفی مقدم اظهار داشت: "یکماه قبل نظرسنجی با هدف بررسی رضایتمندی جامعه پرستاری از عملکرد وزارت بهداشت در حوزه پرستاری انجام شد که نتایج آن قابل توجه است. بیش از ۳۴۰۰ نفر از پرستاران سراسر کشور در این نظرسنجی شرکت کردند و سووال نظر سنجی این بود که آیا از عملکرد وزارت بهداشت در حوزه پرستاری رضایت داشته اید، که سه گزینه بلی، خیر و سایر موارد برای آن تعریف شده بود."

دبیرکل "خانه پرستار" ادامه داد: "نتایج این نظرسنجی حاکی از این دارد که بیش از ۹۸ درصد شرکت کنندگان، گزینه "خیر" یا به عبارتی، نارضایتی از عملکرد وزارت بهداشت را انتخاب کرده بودند و تنها در حدود یک درصد از شرکت کنندگان از عملکرد وزارت بهداشت در حوزه پرستاری رضایت داشته اند. نتایج این نظرسنجی نشان از نارضایتی گسترده جامعه پرستاری از عملکرد وزارت بهداشت دارد و می توان گفت که سیاستهای این وزارتخانه در حوزه پرستاری طی یک سال اخیر، ناکارآمد بوده و در نتیجه کاهش اعتماد پرستاران به سیستم بهداشتی و درمانی کشور را موجب شده است."

عضو شورای عالی نظام پرستاری تاکید کرد: "اگر وزارت بهداشت به افکار عمومی جامعه پرستاری به عنوان کسانی که در خط مقدم نظام سلامت قرار دارند اعتقاد دارد، بایستی رفتار خودش را تغییر دهد. زیرا ادامه وضعیت موجود بر آرایه خدمات پرستاری به مردم و بیماران تاثیر منفی خواهد گذاشت، چرا که رضایت مندی گیرندگان خدمات نظام سلامت متأثر از رضایت مندی آرایه دهندگان خدمات سلامت است. متأسفانه وضعیت پرستاری اسفبار است و پرستاران زیر بار فشار سنگین کار و همچنین تبعیضهای ناعادلانه در نظام سلامت، کمر خم کرده اند."

دبیرکل "خانه پرستار" با اعلام اینکه جامعه پرستاری امیدی به اقدامات وزارت بهداشت ندارد، گفت: "پرستاران انتظار دارند که دولت، مجلس، دستگاههای نظارتی و... به موضوع سلامت مردم و ارتباط آن با قوانین پرستاری وارد شده و خواسته های معقول پرستاران را بشنوند."

## نوبت کاری پرستاران هنوز بر مبنای مصوبه ۶ سال پیش محاسبه می شود

ایلنا، ۱۴ مرداد - عضو هیات مدیره نظام پرستاری اصفهان گفت: "نوبت کاری پرستاران هنوز بر مبنای حقوق مصوب سال ۸۷ محاسبه می شود."

وی در این باره گفت: "آیین نامه اجرایی تعیین نوبت کاری پرستاران هنوز از سوی دولت تنظیم نشده است. این در حالی است که دولت در سال ۸۷ موظف شده بود ظرف شش ماه از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، این آیین نامه را تنظیم کند."

این فعال صنفی پرستاران ادامه داد: "نوبت کاری پرستاران تا پایان سال ۸۷ تابع قانون استخدام کشوری و نظام هماهنگ کارکنان دولت بود، اما از ابتدای سال ۸۸ قانون مدیریت خدمات کشوری برای تعیین نوبتهای کاری حاکم شد. در آن زمان این قانون آیین نامه اجرایی نداشت، بنابراین دولت وقت مقرر کرد که نوبت کاریها به طور موقت بر مبنای حقوق مبنای سال ۸۷ محاسبه شود."

وی ادامه داد: "این آیین نامه هنوز نوشته نشده و نوبت کاری پرستاران بیمارستانهای دولتی هنوز و بعد از گذشت ۵ سال، بر مبنای حقوق سال ۸۷ محاسبه می شود."

وی در تشریح تفاوت وضعیت پرداخت نوبت کاری پرستاران بخش خصوصی و دولتی افزود: "پرستاران بیمارستانهای خصوصی بر اساس مزد مصوب شورای عالی کار نوبت کاری خود را دریافت می کنند. نوبت کاری این پرستاران بسته به نوع شیفت کاری شان، ۱۰، ۱۵ و ۲۲ درصد از حقوق مصوب شورای عالی کار است. این در حالی است که نوبت کاری پرستاران بیمارستانهای دولتی بر مبنای حقوق مصوب کارکنان دولت در سال ۸۷ محاسبه می شود."

### کارکنان بیمارستان محلات خواستار عدالت شغلی مدیران هستند

فارس، ۱۵ مرداد - قاسم رییس اکبری، مسوول اورژانس بیمارستان محلات اظهار داشت: "هر چند مشکلات پرستاران دیگر موضوع تازه ای نیست، ولی همچنان کمبود پرستار، تفاوت زیاد درآمد بین پزشک و پرستار، شیفتهای زیاد و اضافه کاریهای اجباری به خصوص شب کاریها، برخوردهای همراهان بیمار، افسردگی ناشی از مشاهده صحنه های دردناک، فرسودگی شغلی، احتمال سرایت برخی بیماریهای خونی و... مشکلاتی است که جامعه پرستاری با آن روبرو است و طی این سالها از این مشکلات ذره ای هم کم نشده است."

رییس اکبری با اشاره به عدم پرداخت پول لباس پرسنلی بیان داشت: "شهریور امسال دو سال و نیم می شود که پول لباس پرسنل پرداخت نشده است، این در حالی است که هر بار بازرسان به یونیفرم پرسنل ایراد می گیرند، غافل از اینکه آنها در این مدت حق و حقوق خود را دریافت نکرده اند."

وی پرداختهای دیر هنگام اضافه کار پرسنل را از دیگر مشکلات این قشر عنوان و بیان کرد: "با توجه به تغییرات قیمتی در تمامی عرصه های اقتصادی و تورم موجود، عدالت این نیست که پرسنل شیفتهای اجباری و اضافه کار پر کنند، ولی حقوق آن را بعد از چندین ماه دریافت کنند."

مسوول اورژانس بیمارستان محلات ادامه داد: "حق مسکن چند سال گذشته ضمن این که به موقع پرداخت نشده، متاسفانه فقط ۵۰ درصد آن به پرسنل داده می شود و این تفاوت قابل گذشت نیست. اگر حق حق است، پس باید کامل پرداخت گردد و اگر هم حقی نیست، آن را از قانون حذف کنند تا عدالت به خواست تصمیم گیران رعایت شود."

وی افزود: "پرداخت دیر هنگام کارانه پرسنل که این نیز درد مزمن دیگری است، قابل توصیف و توضیح نیست." وی گفت: "عدم پرداخت به موقع ماموریتهای پرسنلی که عادت شده است یکساله پرداخت شود، از دیگر مشکلات پرسنل درمانی است. انصاف نیست پرسنل جان خود را کف دست گذاشته برای نجات جان بیماران یا انجام امور اداری - بهداشتی ماموریت بروند، ولی حق و حقوق آن را یکسال بعد دریافت کنند که باید برای آن چاره اندیشی شود."

### بیم و امید پرستاران در طرح تحول

ایرنا، ۲۰ مرداد- به گفته فعالان عرصه بهداشت و درمان، اجرای طرح تحول نظام سلامت در استان قم باعث افزایش مراجعات مردمی و افزایش حجم و فشار کار پرستاران شده است، درحالی که طی این مدت تعداد نیروی پرستار ثابت مانده است.

اجرای طرح تحول نظام سلامت اردیبهشت ماه امسال در سراسر کشور آغاز شد، بر اساس این طرح، تعرفه های درمان برای بیماران بستری در بیمارستانهای دولتی به شدت کاهش یافت و بیماران تنها موظف به پرداخت ۱۰ درصد از هزینه درمانی و بیمارستانی خود شدند و ۹۰ درصد باقی مانده را دانشگاه علوم پزشکی و دستگاه های بیمه گر پرداخت می کنند.

اجرای این طرح موجب افزایش مراجعات مردم به مراکز درمانی دولتی شده است و این امری است که برای پرستاران هم امید بخش است و هم بیمهایی را در بردارد: امید به رونق شغلی و بیم از افزایش فشار کاری.

به گفته گروهی از پرستاران قمی، افزایش حجم کار پرستاران در شرایطی اتفاق افتاده است که تعداد نیروی پرستار در مراکز درمانی افزایش نیافته است و تکلیف نیروهایی که در آزمون پرستاری پذیرفته شده اند نیز هنوز مشخص نیست معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم گفت: "علی رغم افزایش حجم خدمات در مراکز، تعداد پرسنل مراکز درمانی به ویژه تعداد پرستاران ثابت مانده است که این امر موجب نارضایتی این قشر شده است."

وی با اشاره به کمبود شدید نیروی انسانی در بیمارستان بهشتی افزود: "علی رغم برگزاری آزمون استخدام پرستاری، تاکنون نتوانسته ایم نیرویی در مراکز درمانی استخدام کنیم."

رییس هیات مدیره نظام پرستاری قم با بیان اینکه با اجرای طرح تحول نظام سلامت، پرستاران در صف اول خدمت قرار گرفتند گفت: "با توجه به اینکه طرح تحول نظام سلامت به صورت جهادی! اجرا شد، زیرساختهای اولیه این طرح فراهم

نبود. با اجرای این طرح، درصد مراجعه مردم به مراکز درمانی افزایش یافت اما افزایشی در پرسنل و تجهیزات بیمارستانی نداشتیم."

وی به کمبود نیروی مرد در بخش پرستاری اشاره کرد و گفت: "در برخی بخشهای جراحی مردان مجبوریم از پرستار زن استفاده کنیم که این مساله باعث نارضایتی پرستاران، خانواده های ایشان و بیماران می شود." وی با بیان اینکه وضعیت استخدامی افرادی که در آزمون پرستاری قبول شده اند مشخص نیست ادامه داد: "با همه تلاشی که پرستاران برای موفقیت هر چه بیشتر طرح تحول سلامت انجام می دهند اما کمبود نیروی انسانی در بخش پرستاری سبب لطمه زدن به نگرش مثبت مردم نسبت به این طرح خواهد شد." عزت الله براتی، مدیر خدمات پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم نیز گفت: "استفاده از خدمات دانشجویان علوم پزشکی یکی از راهکارهای برطرف کردن بخشی از نیازهای مرتبط به نیروی انسانی است، اما این امر نیز ممکن است مشکلاتی به بار آورد. البته استفاده از دانشجویان در بیمارستانها باید بررسی دقیق شود و استفاده زیاد از این قشر ممکن است باعث افت کیفیت خدمات در بیمارستانها شود."

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

## رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

**سخن روز:**

- "گام تازه ای برداشتن، این چیزی ست که انسانها بیشتر از همه از آن می ترسند" (داستایوسکی، ۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ میلادی، نویسنده مشهور و تاثیرگذار روسی و خالق "جنگ و صلح")  
- "کاشکی می مردم و دوباره زنده می شدم و می دیدم که دنیا شکل دیگریست، دنیا این همه ظالم نیست و مردم این خست همیشگی خود را فراموش کرده اند و هیچکس دور خانه اش دیوار نکشیده است" (فروغ فرخ زاد، ۱۳۱۳ - ۱۳۴۵ شاعر معاصر ایرانی)

**سینما**

### جشنواره جهانی فیلم مونترال

سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم "مونترال"، کانادا، با حضور فیلمسازانی از ۷۴ کشور دنیا با همان نگاه جهانی به تولیدات سینمایی جهان کار خود را آغاز کرد. این جشنواره که همه ساله به مدت دوازده روز برگزار می شود، یکی از معتبرترینها در آمریکای شمالی است.

جشنواره این بار با ادای احترام به "مایکل جی. وارنر"، رییس کمپانی فیلمسازی "فورتیسیمو" و به نویسنده فقید، "گابریل گارسیا مارکز" آغاز شد.

۳۵۰ فیلم در جشنواره امسال شرکت دارند که شامل ۱۶۰ فیلم بلند و ۱۳۲ فیلم از سرتاسر جهان و فیلمهای کوتاه است. از ابتدای تاسیس این جشنواره تا سال ۲۰۱۲، فیلمسازان فرانسوی بیشترین جایزه های بزرگ جشنواره را از آن خود کرده اند (ده جایزه) و کشور کانادا تنها دوبار موفق به کسب جایزه شده است.

فیلمی به نام "حرامزاده! دوستت داریم" از "کلود لوش"، کارگردان فرانسوی، نمایش شب افتتاحیه بود. "رییس کارخانه" از چین به کارگردانی "ژانگ وی"، "دولتمرد" از فرانسه به کارگردانی "پی یر کورژ"، "اکنون یا هرگز" از فرانسه به

کارگردانی "سرژ فریدمن"، "پسر طلایی" از ایتالیا به کارگردانی "پوپي آواتي" و "دماغه نوستالژی" از ژاپن به کارگردانی "ایزورو ناروشیما" از دیگر فیلمهای این جشنواره هستند.



### واکنش هنرمندان مشهور به جنگ غزه

نظر هنرمندان و چهره های سرشناس دنیای هنر در رسانه های مختلف و حسابهای شخصی خود در شبکه های اجتماعی پیرامون رویدادهای غزه.

- "ستیون سپیلبرگ"، از حامیان همیشگی و جدی اسرائیل به شمار می رود که در این مدت سکوت کرده

است. برخی از برجسته ترین و شناخته شده ترین حامیان اسرائیل اکنون از همیشه ساکت ترند.

- "برایان اینو"، آهنگساز و تهیه کننده بریتانیایی، در نامه ای سرگشاده در سایت "دیوید بایرن" اقدام اسرائیل علیه غزه را "پاکسازی قومی" نامید.

- اعضای گروه موسیقی "مسیو اتک" (Massive Attack) پس از دیدار از اردوگاه آوارگان فلسطینی

"برج البراجنه" در لبنان، از "عشق و تعهد" شان به حمایت از آوارگان جوان فلسطینی سخن گفتند.

- "بیل مار"، کمترین، مجری و تحلیلگر سیاسی آمریکایی، حماس را با "زنی دیوانه که می خواهد تو را بکشد" مقایسه کرد و گفت: "فقط می توانی مدت زیادی مچهای دستش را نگه داری و آخرسر به او سیلی بزنی."

- "میا فارو"، بازیگر و سفیر "یونیسف" نوشت: "ما می توانیم با شور و احساسات به حمله اسرائیل علیه غزه اعتراض کنیم، بی آنکه به هیچ وجه به ورطه ترسناک احساسات ضدیهودی ییفتیم"

- "راجر واترز" خواننده و آهنگساز و نیک میسون از اعضای گروه "پینک فلوید" (Pink Floyd)، گروه انگلیسی "رولینگ استونگ" (The Rolling Stones) را به لغو کنسرت خود در اسرائیل فراخواندند. آنها در نامه سرگشاده خطاب به گروه مزبور نوشتند: "برگزاری کنسرت در اسرائیل اکنون معادل اجرای برنامه در "سان سیتی" در اوج آپارتاید آفریقای جنوبی است. صرف نظر از اینکه نیت شما چیست، رد شدن از خط بایکوت، فراهم کردن امکان برای تبلیغات اسرائیل است تا سیاستهای رژیم ناعادلانه و نژاد پرست خود را ماستمالی کند"

- "مدونا" در "اینستاگرام" عکسی با دو جوان بدون پیراهن که روی بدنشان ستاره داوود و علامت هلال و ستاره خالکوبی شده منتشر کرد و نوشت: "جدایی نه! خون همه ما یک رنگ است"

- "هوارد استرن"، مجری رادیو و تلویزیون، کمترین و نویسنده آمریکایی و از مدافعان جدی سیاستهای اسرائیل به اسرائیل سفر کرد. وی همچنین به شدت از "راجر واترز" انتقاد کرده و او را به "چرند و پرند گفتن مدام" متهم کرد

- "استیون هاو کینگ"، استاد فیزیک دانشگاه کمبریج، در ماههای اخیر چند بار از تحریم اسرائیل سخن گفته است. او در مه ۲۰۱۳ خواهان تحریم آکادمیک اسرائیل شده بود.

"شون هینیتی"، مجری هوادار اسرائیل شبکه "فاکس نیوز"، در گفتگویی تلویزیونی به "یوسف منیر"، نویسنده و تحلیل گر فلسطینی - آمریکایی پرخاش کرد: "آیا خرفتی و نمی فهمی؟"

- "جان استوارت"، مجری برنامه "دیلی شو"، در اظهار نظری محتاطانه گفت: "صرف اشاره به اسرائیل یا هر گونه زیر سوال بردن کارایی یا بشردوستی سیاستهای اسرائیل لزوماً به معنای طرفداری از حماس نیست"

## ثریا حکمت، بازیگر سینما در چادر زندگی می کند

ثریا حکمت در باره وضعیت بد مالی خود گفت: "بعد از ۳۵ سال کار و ۶۱ سال سن، از چندی دیگر در چادر زندگی می کنم."

وی افزود: "صاحبخانه ودیعه اجاره را بالا برده که از توان من خارج است و تصمیم دارم اثاثهایی که برایم باقی مانده را بفروشم و با پول آن دخترم را به خوابگاه بفرستم و خودم هم در خیابان چادر بزنم."

این بازیگر می گوید: "سال گذشته تصمیم گرفتم دو بار خودم را از بین ببرم و اقدام به این کار هم کردم اما موفق نشدم. الان کل دندانهایم را کشیده ام و هزینه درمان آنها را

ندارم. برای گرفتن بودجه به همه جا رفته ام. حتی چندی پیش به سراغ همسر آقای انصاری که مالک بازار مبل هستند رفتم اما باز هم اتفاقی نیفتاد و نمی دانم این همه بودجه در مملکت جابجا می شود، چرا من بعد از این همه سال فعالیت هنری نباید سهمی از آن داشته باشم؟"

این بازیگر که بیش از ۱۰ سال است فعالیت بازیگری ندارد، در آثاری چون "آواز قو"، "نقطه ضعف"، "تصویر آخر"، "خواستگاری"، "نیش" و فیلم به یاد ماندنی "ای ایران" ناصر تقوایی به ایفای نقش پرداخته است.



## شعر



## سیمین بهبهانی درگذشت

سیمین بهبهانی، شاعر و نویسنده معاصر، در سن ۸۷ سالگی در بیمارستانی در تهران درگذشت. خانم بهبهانی به خاطر سرودن غزل در وزنهای بی سابقه، "نیمای غزل" لقب گرفته بود.

او تنها غزلسرای توانا نبود، فعالیت‌های مدنی وی برای احقاق حقوق زنان از سیمین چهره ای متفاوت از دیگر

هنرمندان زمان خود ساخته است. شجاعت و صراحت کلام وی در کنار فعالیت اجتماعی مستمر را در کمتر هنرمندی در این سطح می توان یافت.

بخش عمده غزلهای سیمین بهبهانی در سی و پنج سال گذشته رنگ و بوی سیاسی و اجتماعی و زبانی یگانه و بسیار جسورانه داشت. خانم بهبهانی در سال ۱۳۸۸ که قصد داشت برای سخنرانی در روز جهانی زن درباره فمینیسم به پاریس برود، ممنوع الخروج شد.

تاکنون چندین بار از وی به علت حمایت همیشگی اش از آزادیهای اجتماعی و سیاسی در ایران قدردانی شده است. در سال ۱۳۷۸ سازمان جهانی حقوق بشر در برلین مدال "کارل فون اوسی یتسکی" را به سیمین بهبهانی اهدا کرد. در همین سال نیز جایزه "لیلیان هیلمن / داشیل هامت" را سازمان دیدبان حقوق بشر به وی اعطا کرد. در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) نیز جایزه "یانوش پانونیوش" مجارستان به وی اهدا گردید.

از سیمین بهبهانی تاکنون ۲۰ مجموعه شعر منتشر شده است. نخستین مجموعه با نام "سه تار شکسته" در سال ۱۳۳۰ و آخرین آن با عنوان "مجموعه اشعار سیمین بهبهانی" در سال ۱۳۹۰ به همت "نشر نگاه" روانه بازار کتاب شده است.



## نمایشگاه



### آثار ۵۴ سال خلاقیت هنرمندان

#### معاصر ایرانی در پاریس

نمایشگاه "تاریخ ناویراسته ایران" با بیش از ۲۰۰ اثر هنری از هنرمندان معاصر کشور در موزه هنرهای مدرن شهر پاریس برپا است. این نمایشگاه، مجموعه ای از عکس، فیلم، نقاشی، مجسمه، پوستر و گرافیک در سه دوره زمانی است.

مهمترین هدف از برگزاری این نمایشگاه مبارزه با کلیشه ای است که انقلاب را پایان مدرنیته در ایران عنوان می کند. در این نمایشگاه بخشی از عکسهای "کاوه گلستان" که از سطح شهر تهران گرفته شده نیز به نمایش در آمده است. این نمایشگاه با کوشش مراد منتظمی، پژوهشگر ایرانی مقیم فرانسه، برپا شده است. نمایشگاه "تاریخ ناویراسته ایران" سعی دارد ارتباطی بین ایران پیش و پس از انقلاب پیدا کند.

## نقاشی

### دیوارنگاری روی ویرانه های کابل توسط یک هنرمند زن افغان



برای اولین بار در افغانستان یک بانوی جوان با نقاشیهای سه بعدی اش مشکلات اجتماعی این کشور را به تصویر کشیده است. شمسیه حسنی گرافیتیهای را نیز روی خرابه های جنگ در کابل خلق کرده و چهره این شهر را زیباتر ساخته است. بیشتر سوژه های هنری شمسیه حسنی را مشکلات اجتماعی زنان تشکیل می دهد.

## موسیقی

### کنسرت محسن یگانه به دلیل عدم رعایت تفکیک جنسیتی لغو شد

کنسرت یگانه که قرار بود ۱۸ و ۱۹ مرداد در ارومیه برگزار شود، به دلیل عدم رعایت طرح تفکیک جنسیتی لغو شد. پیشتر پیروز ارجمند، مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با طرح جداسازی مخالفت کرده بود و گفته بود "شان مردم ایران بالاتر از این حرفهاست".

در هفته های قبل برخی منابع خبری از تصویب طرحی در اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان غربی و شرقی خبر داده بودند که بر اساس آن کنسرتهای پاپ در این دو استان با تفکیک جنسیتی یک شب به زنهار و شب دیگر به مردها اختصاص خواهد داشت.

### با عفو قاتل جان لنون باز هم مخالفت شد

مقامهای قضایی آمریکا تقاضای عفو "مارک چپمن"، قاتل "جان لنون"، خواننده گروه "بیتلها" (The Beatles) را رد کردند. وی در سال ۱۹۸۰ با شلیک چهار گلوله جان لنون را در بیرون آپارتماننش در محله "منهتن" نیویورک کشت. او که به جرم قتل درجه دو به حبس ابد با الزام ۲۰ سال حبس قطعی محکوم شده است، برای هشتمین مرتبه است که تقاضای عفو می کند.

هیات بررسی عفو قاتل جان لنون گفته است قتل خواننده مشهور بریتانیایی، خانواده و کسانی که او را دوست داشتند، ویران کرد. این هیات قضایی در نیویورک، آزادی آقای چپمن را برای جامعه مضر دانسته است.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)  
[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

## "قره العین، اندیشه مزدکی یا ماتریالیسم سرخ"

م . وحیدی



دیگر ننشیند شیخ بر مسند تزویر  
 دیگر نشود مسجد دکان تقدس  
 آزاد شود دهر ز اوهام و خرافات  
 آسوده شود خلق ز تخیل و توسوس  
 محکوم شود ظلم به بازوی مساوات  
 معدوم شود جهل ز نیروی تفرس  
 گسترده شود در همه جا فرش عدالت  
 افشاندن شود در همه جا تخم تونس  
 "قره العین" (۱۲۳۳-۱۲۶۹ ق)

یکی از برجسته ترین زنان مترقی تاریخ میهنمان، که در ستیز با ارتجاع مذهبی و حاکمیت فاسد قاجار، جان بر سر عقیده و آرمانهایش گذاشت، زرین تاج معروف به "قره العین" است.

او یکی از مبارزترین و با فرهنگ ترین زنان ایرانی دوران معاصر است. زنی سخنور، متفکر و نابغه، شجاع و آزادیخواه و شاعری بی همتا که با بدعت و نوآوری در عقاید مرسوم مذهبی و آیین اجتماعی، جایگاه ویژه ای در دوران خود یافت.

مورخان بسیاری در ایران و جهان از او به نیکی یاد نموده و مطالب و کتابهای زیادی در ستایش و جسارت او نوشته اند. "ادوارد براون" نویسنده و تاریخ نگار سرشناس انگلیسی، در کتابی که در رد بهائیت به نگارش در آورده، متذکر می شود: "ظهور چنین زنی مانند قره العین، در هر مملکت و عصر که باشد، از نوادر است. مخصوصاً در مملکتی مانند ایران از عجایب خلقت و معجزه است ... او زنی با هوش و پرذکاوت، زیبا و باشهامت بود، که در برابر علمای عصر خود، مقاومت و ایستادگی کرد."

"لوول جانسون" نویسنده و محقق، از قول برادر وی، "میرزا عبدالوهاب" نقل می کند: "هرکس به ملاقات او می رفت، محسور گفتار صریح و شیرین او می شد... در مجلسی که او حاضر بود، کسی قدرت ادای کلمه نداشت، گویی تمام کتابهای گذشته، در اختیار او بودند."

"ماریانا هاینیش" (فمنیست فعال اتریشی، در سال ۱۹۲۵ گفت: "قره العین، بزرگترین زن نمونه زندگی من بشمار می رود. آنچه که او به قیمت جان خود، برای زنان ایرانی انجام داد، من هم باید برای زنان اتریشی انجام دهم."

"شیخ محمود آلوسی" مفتی بغداد (در زمان حاکمیت عثمانی) همان ایام در ترجمه حال او نوشت: "من در این زن، فضل و کمالی دیدم، که در بسیاری از مردان ندیده ام. او دارای عقل و استکانت و حیا و صیانت بود."

در رسالات و کتب تاریخی، نام او را، فاطمه، طاهره، قره العین و زرین تاج ذکر کرده اند. او در سال "۱۲۳۳ ق - مطابق با ۱۸۱۷ م" در قزوین به دنیا آمد. اجدادش از مراجع تقلید و پدرش از علمای مشهور اخباری بود. او دروس مقدماتی را از پدر آموخت و به یادگیری اصول، فلسفه، کلام، تفسیر و ادبیات عرب پرداخت و بر قرآن و احادیث مسلط شد. نظیر وی، در آن دوران کمتر یافت می شد. او نخستین زنی بود که در ایران برخلاف رسم و عرف زمانه، بی حجاب در برابر مردان ظاهر شد و با علما و رجال، به بحث و مجادله پرداخت. مطالعه طاهره در آثار و عقاید شیخیه، زندگانی او را به کلی دگرگون ساخت. او علاقه مخصوصی ابتدا به آثار سید کاظم رشتی، که در کربلا سکونت داشت، پیدا کرد.

طاهره برخی مسایل را توسط نامه از سید کاظم سوال می کرد و سید کاظم در نامه ها و رساله های خود، به او لقب "قره العین" داد.

بیست و نه ساله بود - برخی منابع ۲۳ و ۲۶ گفته اند - به کربلا رفت. اما قبل از رسیدن، سید کاظم وفات یافته بود و او، در منزل وی، برای مدتی سکونت گزید. در این سفر، خواهرش او را همراهی می کرد. طاهره جلساتی برای مردم تشکیل داد و از پس پرده، به تدریس و سخنرانی و افاده علوم می پرداخت. در مجلس وی علمای وقت حضور داشتند و از معلومات، هوش و استدلالات او متحیر می شدند و در این میان، برخی حسادتها و دشمنیها نیز شکل می گرفت.

### طاهره در فرازی از جدلهای خود گفت:

\* "ای مردم! رستاخیزی نخواهد بود. پس در راه احقاق حقوق خود تلاش کنید. بهشت و جهنم، همین دنیا است. خداوند همه چیز و همه کس را مساوی آفریده... پس ذخیره ثروت به دست گروهی محدود، بالاترین فساد است... ای محرومان و دهقانان، قیام کنید...! و آن گروه که از دسترنج شما تغذیه نموده و کسب ثروت کرده است را کنار بزنید... ای خلائق! از دستورات و احکام دینی و روحانیت و فرامین سیاسی سرباز زنید. نماز و روزه، مالیات و هر دستور و فریضه حرام است..."

پس از چندی، عده ای به خانه وی ریخته او را ناگزیر به رفتن به بغداد می کنند. قره العین در آنجا نیز دست از تبلیغ و دعوتش برنداشت و آخوندها پایپیچ وی می شوند. بنابراین، به امر والی شهر توقیف و به فرمان سلطان عثمانی در سال ۱۲۶۳ ق، همراه با یارانش، به ایران فرستاده می شود. در میان راه، همه جا تبلیغ کنان وارد می شد تا به قزوین مراجعت کرد.

پس از آنکه سید باب در شیراز پیدا شد، قره العین، به وسیله "ملا حسین بشرویه"، با او مکاتبه کرد و پس از زمانی کوتاه وی در عداد "حروف حی" یعنی یاران نخستین سید باب در آمد، لقب "طاهره" از او گرفته شد و قره العین آشکارا به تبلیغ پرداخت. اندک اندک اخبار این تبلیغات و دعاوی و روشنگریهای او، توسط مجتهدان به ویژه، امام جمعه تهران، به دربار ناصرالدین شاه رسید. آخوندها در عریضه ای، فتوای تکفیر او و یارانش را صادر کردند. ناصرالدین شاه، ابتدا از راه تطمیع وارد و نامه ای برای قره العین فرستاد که: "در صورت ترک عقیده باب و مسلمان شدن حقیقی، تو را مقام شایسته ای خواهم داد." قره العین پاسخ خود را، با شعری در پشت نامه برای شاه فرستاد:

تو ملک و جاه سکندری من راه و رسم قلندری  
 اگر آن نکوست، تو در خوری و گر این بد است مرا سزا  
 به مراد زلف معلقی، پی اسب زین مفرغی  
 همه عمر منکر مطلق، ز فقیر فارغ بینوا

.....

اندیشگران بابی، واژگونی نظام شاهی - اسلامی راه، رهگشای اصلاحات اجتماعی می خوانند. پس از کشته شدن باب، طاهره را در قزوین دستگیر و روانه تهران کردند. او راه، به منزل رییس نظمیه، محمود خان، منتقل و در اتاقی زندانی کردند. چندی بعد، وی راه، به باغ ایلخانی - محل کنونی بانک ملی - بردند و جلاد (به دستور شاه و وزیرش، میرزا آقاخان نوری) برای کشتن او حاضر شدند و طاهره را با دستمالی که در دهانش قرار دادند خفه کردند و سپس پیکر نیمه جاننش را به داخل چاهی در همان باغ انداختند و آن را با سنگ و خاک پر کردند. طاهره در آن زمان سی و شش سال داشت و از او دو پسر و یک دختر باقی ماند.

آثار نظم و نثر قره العین، ظاهرا از میان رفته و نوشته ها و نامه های او به صورت پراکنده چاپ و منتشر شده است. برخی از آنها به زبان عربی، با عبارات مرموز و اصطلاحات مخصوص نوشته شده است. اشعار او سبک بیان باب را دارد و پر از عبارات و اصطلاحات دینی و سخت متاثر از آثار متقدمان، از جمله مولانا جلال الدین و جامی است.

### پیوست

میرزا آقا خان کرمانی در گزارشی مفصل، از کشتار بابیان یاد می کند:

”از آن پس، هر کس سخنی علیه حکومت می زد و یا دستی به قلم می برد، چماق تکفیر بر سرش فرود می آمد و بسیاری جلای وطن کردند...”

روزنامه های رسمی آن زمان، به تفضیل گزارش داده اند که چگونه لوطیان، چاقوکشان و ملایان، با ساز و طبل، تبر و قمه، خنجر و قیچی، به جان شورشیان می افتادند و آنان را شمع آجین و زنده زنده می سوزاندند. باب کشی، باب روز و وسیله ای برای سرکوب و عصیان مردم شد و راه را برای غارت و چپاول بیشتر ملایان، از دسترنج دهقانان و زحمتکشان، باز نمود. اهل دین، بیشتر از دیگران از این جریان بهره بردند.

### منابع و یادداشتهای:

توسوس (به شک و تردید انداختن کسی، بدگمانی)

تفرّس (فراست، دانایی)

تخییل (تهمت زدن)

توّس (انس، دوستی و رفاقت)

۱\_ از صبا تا نیما (دکتر یحیی آریان پور)

۲\_ مذاهب و فلسفه در آسیا وسطی (کنت دو گوبینو) وی، همزمان با قره العین، وزیر مختار فرانسه در ایران بود. او معتقد بود که پس از خفه کردن طاهره، جسدش را سوزانده اند.

۳\_ کتاب نیمه دیگر (عبدالحسین اسلامی)

۴\_ سرآغاز اقتدار اقتصادی ملایان (ه. ناطق)

۵\_ صلح مذاهب (دکتر ت - چین)

۶\_ ایران و ساکنان آن (دکتر جاکب پلاک)

## اعدام ارژنگ، اعدام پرنسپهای انسانی و دموکراتیک است. برای نجات او بیدرنگ بشتابیم

لیلا جدیدی

محکومیت ارژنگ داوودی به اعدام نمونه و تصویر گر میزان هراس بی حد و حصر جمهوری اسلامی از یگانگی، اتحاد، روابط دموکراتیک و مقاومت در برابر ستم است؛ ویژگیهایی که ارژنگ با آن و برای آن نزدیک به ۱۱ سال در زندانهای مخوف ولایت فقیه زندگی و مبارزه کرده است.

ارژنگ داوودی نخست به خاطر همکاری با یک خبرنگار کانادایی برای ساخت فیلم مستند "ایران ممنوع" دستگیر شد. سپس به اتهامات راه اندازی و تاسیس "جنبش آزادی ایرانیان" و "کنفدراسیون دانشجویان ایرانی"، نوشتن "مانیفست ضد نظام جمهوری اسلامی"، توهین به رهبری و بنیانگذار رژیم جمهوری اسلامی، مسوولین نظام و روحانیون، توهین به مقدسات و غیره به مجازات سنگین ۱۵ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و ۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم گشت. ارژنگ بطور دایم به زندانهای مختلف و سلولهای انفرادی تبعید شد و تحت شکنجه های جانفرسا که منجر به از دست دادن سلامتی و بخشی از بینایی و شنوایی او شد، قرار گرفت. رژیم حتی به آزار خانواده وی پرداخت، خانه او مصادره و به فروش رفت و خانواده او آواره گشتند.

با این همه او در تمام مدتی که در اسارت رژیم بود، به وضعیت زندان، رفتار زندانبانان و اوضاع سیاسی- اجتماعی کشور اعتراض کرد و دست به اعتصاب غذا زد. او در شهریور ماه ۸۹ پس از گذشت بیش از دو ماه از اعتصاب غذا در حالی که به سختی قادر به تکلم و گشودن پلکهایش بود، به بهداری زندان رجایی شهر منتقل شد و به حالت کما فرو رفت. او سالهای زندان را بدون حق ملاقات، تلفن و مرخصی سپری کرده است. شرم آور تر اینکه حتی محمدعلی دادخواه، وکیل او را نیز دستگیر کردند.

اینک با یک پرونده سازی جدید، شعبه اول دادگاه انقلاب کرج او را به اتهام "محاربه از طریق عضویت، هواداری و فعالیت موثر در پیشبرد اهداف سازمان مجاهدین خلق ایران" به اعدام محکوم نموده است. این درحالیست که وی اتهامات دستگاه امنیتی را ساختگی نامیده و ضمن رد مرزبندیهای حکومت با مخالفانش، همکاری یا سمپاتی از سازمان مجاهدین خلق را رد و خود را فردی سکولار که هرگز سلاحی به دست نگرفته معرفی کرده است.

آنچه که در واقع رژیم از آن هراسناک است، ویژگیهای ارژنگ در زندان است که در ایجاد جو اتحاد، همکاری و همبستگی تلاش می کند. زندانبانان بعکس مروج روحیه پراکندگی هستند و مشوق آدمهایی که به دفاع از هم برنمی خیزند و مرز "خودی" و "غیرخودی" آن را رعایت می کنند؛ یعنی همان جامعه آرمانی جمهوری اسلامی. ارژنگ در تمام این سالها یک گام هم از مقاومت کوتاه نیامده و دیگران را پیوسته به همبستگی، ایستادگی و پایداری تشویق کرده است.

سازمان عفو بین الملل سالهاست به رفتار غیرانسانی با ارژنگ داوودی معترض بوده و اکنون نیز با صدور بیانیه ای به حکم اعدام ارژنگ اعتراض کرده است: "این حکم با وجود نبودن شواهد آشکار و بعد از یک دادرسی بسیار غیرعادلانه صادر شده است."

امروز بر همه ایرانیان آزادی خواه و عدالت طلب است که صدای خود را بلند کنند و کمیسر عالی حقوق بشر و شورای حقوق بشر ملل متحد و همه ارگانهای ذیربط بین المللی و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر را به محکومیت و درخواست لغو این مجازات غیر انسانی و ناعادلانه فرا بخوانند.

ما به پیروی و پشتیبانی از تلاشهای زندانی سیاسی، ارژنگ داوودی در جهت همبستگی، مبارزه متحدانه و مناسبات دموکراتیک، در کنار دیگر کوشندگان سیاسی و حقوق بشر، برای لغو این حکم کینه توزانه تلاش می کنیم.

## "فتنه" وزیر عوض می کند

### منصور امان

چهار سال پس از اعلام "درآوردن چشم فتنه" و دمیدن بر شیپور فتح و سرکوب قطعی اعتراضها و خیزشها، جنبش توده ای حضور نیرومند خود را در جدالهای داخلی حکومت به نمایش گذاشته است. باند ولی فقیه و جناح راست سنتی در وحشت از جامعه و برآشفتن گردان پیشرو آن، دانشگاه، وزیر علوم را برکنار کرده و از این راه نه فقط بر ناتوانی "نظام" از خروج از بحران ۸۸ گواهی داده اند، بلکه پروسه تلاشی باند حاکم را یک گام دیگر به پیش برده اند.

مجلس مَلاها روز چهارشنبه با اکثریت آراء، آقای رضا فرجی دانا، وزیر علوم را به دلیل سهل انگاری در برابر "عوامل فتنه و مُعاندین"، نگرانی از "آبستن بودن دانشگاه به فتنه جدید"، بی کفایتی و "مدیریت شدن از جانب فتنه گران و اخراجیها" از کار برکنار کرد. صحنه خودنمایی دلشوره و بیم نمایندگان مجلس را نمایش فیلمهایی از اعتراضهای دانشجویی و توده ای و گرداندن گزارشهای محرمانه وزارت اطلاعات آرایش می داد.

از این زاویه، برکناری آقای فرجی دانا را می توان اقدامی پیشگیرانه در جهت رویارویی با چالشهای مورد انتظار دانست. استیضاح کنندگان آقای فرجی دانا چه در مجلس و چه در بیرون از آن توضیح داده اند که به توانایی وی برای کنترل و مهار دانشگاه در شرایط "نرمش قهرمانانه" اعتماد ندارند. آنها به این وسیله به طور جانبی اما با صدای بلند بر پتانسیل انفجاری دانشگاه و شکست تمام عیار سیاستها و تدبیرهای سرکوبگرانه حکومت برای تبدیل این واحد زنده اجتماعی به مُرده در گور گواهی داده اند.

در همین حال، برداشتن این گام و تغییر آرایش اجباری در کابینه حُجت الاسلام حسن روحانی فقط با پرداخت هزینه سنگین تعمیق شکاف در "نظام" ممکن شده است. شقه شدن مجلس اصولگرا در هنگام رای گیری به دو بلوک ۱۴۵ نفری موافق و ۱۱۰ نفری مخالف، به معنای پیدایش دسته بندیهای جدید و بُر خوردن کارتهایی است که بازیگران تا پیش از این می پنداشتند در دست دارند. ارزیابی خودفربانه آقای روحانی از مخالفان دولت زیر عنوان "اقلیت کوچک" و "عده محدود"، میدان دیگری برای نمایش نادرستی خود یافته و در سمت دیگر، راست سنتی با الگ استیضاح دوباره غربال شده است.

تحول روز چهارشنبه، تضادهای موجود در دستگاه قُدرت جمهوری اسلامی را در عرض پهن تر و در عمق شدید تر کرده و صف بندیهای جدیدی را به مضاف یکدیگر در قلمروهای تازه خواهد فرستاد. پایان آقای فرجی دانا، آغاز این پروسه است.

## تازیانه های ولی فقیه بر پیکر کارگران بافق

### زینت میرهاشمی

سرکوبی و دستگیری کارگران معدن سنگ آهن بافق یک بار دیگر اوج بی رحمی دیکتاتوری ولایت فقیه را نشان داد. کارگران سنگ معدن بافق از اردیبهشت ماه سال جاری تا کنون در اشکال مختلف در رابطه با چگونگی خصوصی سازی این معدن و نادیده گرفتن حقوق کارگران در توزیع سهام این معدن دست به اعتراض زده اند. خصوصی سازی در واحدهای تولیدی ایران به معنای تهدید نیروی کار به بیکاری و فقر است. خصوصی سازی یا بهتر است بگوییم تبدیل شدن به شبه دولتی و یا سپردن مالکیت به ویژه خواران و خودیها تا کنون نقش مهمی در تعطیل سازی واحدهای تولیدی داشته است.

کارگران معدن ایران از جمله محرومترین بخش کارگران و مزدبگیران هستند. نگاهی به آمار حوادث کار، میزان بالای تلفات نیروی کار در معدن را برملا می کند. حوادثی که در معدن موجب مرگ و میر کارگران شده است به دلیل عدم امنیت کار است. کشته شدن کارگران در معدن یال شمالی در سال ۹۱، در معدن ذغال سنگ چشمه بونده در سال ۹۲ و در معدن قلعه خرگوشی در سال ۹۳، نمونه هایی از بی ارزش دانستن نیروی کار در سخت ترین شرایط کاری است.

ماهیت سیاستهای ضد کارگری رژیم را مجلس نشین برخاسته از بافق به خوبی بیان می کند. زارع زاده که خود را نماینده مردم محروم بافق قالب می کند به اصطلاح از در دلسوزی شمشیر و تازیانه ولایت فقیه علیه کارگران بافق را تیزتر می کند.

زارع زاده می گوید: «رضایت مردم، رضایت حاکمیت است و در حالی که ۵۰ درصد از مردم این شهرستان کوچ کرده اند به نفع نظام و مردم است که ۱۵ درصد از ارزش افزوده معدن برای توسعه منطقه سرمایه گذاری شود». در حالی که کارگران به بازداشت تعدادی از نمایندگان خود اعتراض می کنند، این مجلس نشین می گوید: «در این میان بازیگرانی پیدا می شوند که از آب گل آلود ماهی بگیرند». این حرف زارع زاده مقدمه ای برای پرونده سازی علیه نمایندگان کارگران است. استقرار ماموران سرکوبگر در محوطه معدن برای در هم شکستن همبستگی کارگران و شکار نمایندگان کارگران معترض و دستگیری کارگران معدن بافق محکوم و همه آنها باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

سازمان جهانی کار و نهادهای مدافع حقوق بشر باید بلادرنگ این موضوع را مورد پیگیری قرار دهند و به رژیم ایران برای آزادی کارگران و قبول خواسته های آنان فشار جدی وارد کنند.

## شهدای فدایی در شهریور ماه

رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری - ایرج سپهری - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود باباعلی - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - پروین فاطمی - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی - شهریار و احسن ناهید - محمد



رفیق اعظم روحی آهنگران

مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی - ناصر فتوتی - محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - محمد تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزال ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضانی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسنونند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

# انتشارات تصویری



## فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



## دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)





## چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

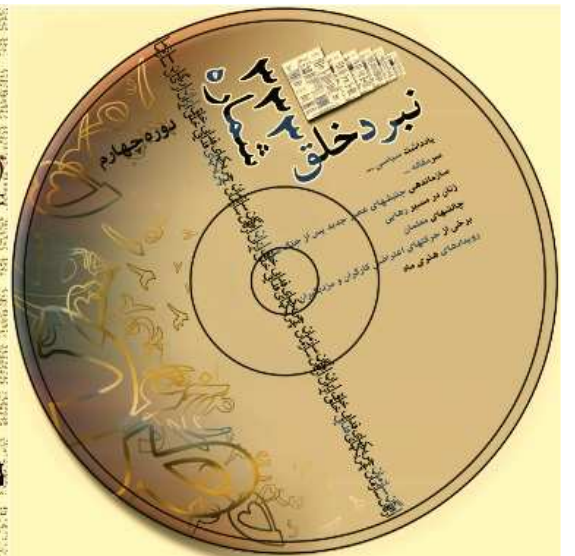
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



## ۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

## **NABARD - E - KHALGH**

**No : 350 23 aout. 2014 / Price: \$ 1 – 1 euros**

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

E.Mail: [nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)